



ساختار سیاسی ناظر
بر اجرای حقوق بین الملل
نیازمند تحول است

ریچارد فالک



برای معرفی ظرفیت های
قانون اساسی در حوزه آزادی باید
به نهادهای سازی بومی روی آورد

دکتر سید مجید امامی



آزادی در ایران بر اساس
مسئولیت در برابر خدا
تعریف می شود

دکتر روبرتو کارایا

سال دوم، شماره نهم، شهریورماه ۱۴۰۴
۹۰ صفحه، ۸۰ هزار تومان



ماهنامه خبری پژوهشی پژوهشکده شورای نگهبان

دکتر هدی غفاری آزادی مسئولانه جوهر هویت بخش به مفهوم آزادی در قانون اساسی است

در این شماره می خوانید:

۱۳ گزارش برگزاری مدرسه تابستانی حقوق جنگ (با تاکید بر جنگ تحمیلی دوازده روزه)

۳۹ انتشار نظرات استدلالی شورای نگهبان درباره ۷ مصوبه

۸۶ گفت و گو با استاد حقوق اساسی دانشگاه هاروارد

۹۱ واکنش گزارشگر سابق شورا حقوق بشر به تجاوز آمریکا به خاک ایران

۹۱ مرور زندگینامه مرحوم آیت الله خزعلی از فقهای پیشین شورای نگهبان

۹۱ دادگاه قانون اساسی آفریقای جنوبی؛ نهاد ناظر بر قانون اساسی و حقوق بنیادین شهروندان



شورای نگهبان مطمئن‌ترین دستگاه برای حراست از نظام اسلامی است

شورای نگهبان مطمئن‌ترین دستگاه و ارگانی است که انقلاب به نظام کشور بخشیده است. ما برای اینکه به طور کلی از سلامت نظام مطمئن باشیم، مهم‌ترین و رساترین و فعال‌ترین و مؤثرترین مجموعه‌ی ما همین شورای نگهبان است.

بیانات در دیدار اعضای هیأت‌های نظارت شورای نگهبان ۱۳۷۰/۱۲/۰۴

فهرست مطالب

سرمقاله ۵

دانش خبر.....۸



بررسی سه مصوبه در مجمع مشورتی حقوقی شورای نگهبان ۸ | برگزاری مدرسه تحلیلی حقوق و جنگ ۱۰ | برگزاری ۳ جلسه فنی تخصصی در پژوهشکده شورای نگهبان ۱۱ | انتشار نظرات استدلالی شورای نگهبان درباره ۷ مصوبه ۱۲ | بررسی ۲۱ پرونده استعلام شرعی دیوان عدالت اداری در پژوهشکده شورای نگهبان ۱۲ | دیدار معاون قوانین مجلس شورای اسلامی با رئیس پژوهشکده شورای نگهبان ۱۳ | برگزاری ۶ پیش‌نشست علمی برای همایش بین‌المللی آزادی در منظومه فکری آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (مد ظله‌العالی) ۱۴ | چهل و هشتمین شماره فصلنامه دانش حقوق عمومی منتشر شد ۱۵ | بازدید دانشجویان مقطع کارشناسی رشته حقوق دانشگاه اراک از پژوهشکده شورای نگهبان ۱۶

قلمرو قانون.....۱۸



استاد حقوق اساسی دانشگاه هاروارد: کاهش حس ضرورت کاذب و اصلاح نهادهای کنونی از نتایج مطالعه تطبیقی حقوق اساسی است ۱۸ | تحلیل نظر فقهای شورای نگهبان؛ دادگاه‌ها نمی‌توانند ردیابی موبایل برای کشف جرم را کاملاً محدود کنند ۲۲ | «کار کثیف» اروپایی‌ها، میراث ماندگار مکتب ماکیاولی ۲۶ | وجود آرامش پیش شرط بازنگری قانون اساسی ۳۰



ماهنامه خبری پژوهشی پژوهشکده شورای نگهبان

سال دوم، شماره نهم، شهریورماه
۱۴۰۴، ۸۶ صفحه

صاحب امتیاز: پژوهشکده شورای نگهبان

مدیرمسئول و سردبیر: محمد سلیمانی درجه

مدیر هنری: محمدحسن ابوالحسنی

دبیر تحریریه: علی کمالی

تحریریه: علیرضا کریمخانی،

علیرضا مزینانی،

محمد خزایی،

علی کمالی،

محمدعلی صدراپی

چاپ و فنی: سید محمدرضا سید علیخانی

عکس: فرزاد صابر

با تشکر از: محمدرضا آقابابایی،

محسن ابوالحسنی،

محمدرضا فارسیان

نشانی: تهران، خیابان شهید بهشتی (ه)،

خیابان سرافراز، کوچه پنجم،

پلاک ۱۱

تلفن: ۰۲۱-۸۸۷۵۰۷۰

پایگاه اینترنتی: www.ccri.ac.ir

فهرست مطالب



۳۶..... محفل اندیشه

ساختار سیاسیِ ناظر بر اجرای حقوق بین الملل نیازمند تحول است | ۳۶ | دکتر کدخدایی: آزادی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر کرامت انسان و مسئولیت در برابر خداوند است باید آزادی را با مبانی دینی و گفت‌وگوهای علمی بهتر تبیین و نهادینه کنیم | ۴۲ | آزادی موهبتی الهی است که در غرب به فردگرایی افراطی تبدیل شده، اما در ایران بر اساس مسئولیت در برابر خدا تعریف می‌شود | ۴۶ | دکتر سید مجید امامی: برای معرفی ظرفیت‌های قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در حوزه آزادی باید به نهادهایسازی بومی روی آورد | ۴۸ | آیت‌الله کعبی: عملکرد نماینده بر خلاف مفاد قسم‌نامه، مصونیت او را نقض می‌کند | ۵۰ | دکتر غفاری: آزادی مسئولانه جوهر هویت‌بخش به مفهوم آزادی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است | ۵۳



۵۵..... دفتر مذاکرات

چالش اختیارات نماینده ویژه رئیس جمهور/ محدود به امور اجرایی یا شامل تصمیمات غیر اجرایی؟ (بخش سوم) | ۵۵



۷۴..... زمانه

تدوین پیش نویس قانون اساسی (تنظیم طرح اولیه پیش نویس قانون اساسی) | ۷۴



۷۶..... پاسداران عدالت

دادگاه قانون اساسی آفریقای جنوبی؛ نهاد ناظر بر قانون اساسی و حقوق بنیادین شهروندان | ۷۶



۸۰..... یاد

ابوالقاسم خزعلی، دوستدار آیت الله خمینی | ۸۰



۸۴..... تازه‌ها

اعتبار فرانسوی قانون اساسی | ۸۴

حقوق اساسی و امکان‌های تمدنی آن در فرایند تحقق تمدن نوین اسلامی

علی فتاحی زفرقندی؛
قائم مقام پژوهشکده شورای نگهبان



انقلاب اسلامی ایران صرفاً یک رخداد سیاسی در اواخر قرن بیستم نیست، بلکه سرآغاز حرکتی بود که غایت آن، دستیابی به تمدن نوین اسلامی است. این تمدن نوین، در مقام ایده، تلاشی برای بازآفرینی حیات بشری بر بنیاد ارزش‌های الهی و انسانی است؛ تمدنی که در چارچوب الگوهای مادی غربی محدود نمی‌ماند، بلکه می‌خواهد الگویی نو برای سبک زندگی ارائه دهد. در این میان، حقوق اساسی تنها مجموعه‌ای از قواعد شکلی برای تنظیم نهادها نیست، بلکه ظرفیتی تمدنی دارد که می‌تواند نظریه‌ای جامع از حکمرانی اسلامی را سامان دهد. بر این اساس باید دید که چگونه حقوق اساسی می‌تواند پلی باشد میان آرمان تمدنی و تجربه عینی، و چگونه امکان‌های آن می‌تواند در فرایند تحقق تمدن نوین اسلامی بالفعل شود.

چرخه پنج‌گانه انقلاب اسلامی و افق تمدن‌سازی

فرایند انقلاب اسلامی را می‌توان در قالب یک چرخه پنج‌گانه توضیح داد: انقلاب، نظام‌سازی، دولت‌سازی، جامعه‌سازی و تمدن‌سازی. در مرحله انقلاب، مردم با محوریت دین و رهبری دینی در برابر نظام طاغوتی ایستادند و نظام سیاسی جدیدی را مطالبه کردند. در مرحله نظام‌سازی، قانون اساسی به‌عنوان میثاق ملی و دینی تدوین شد و ساختارهای اولیه جمهوری اسلامی شکل گرفت. مرحله دولت‌سازی به معنای ایجاد نهادهای کارآمد برای اداره کشور و تحقق اهداف انقلاب اسلامی بود. در ادامه، جامعه‌سازی به معنای تعمیق ارزش‌ها و هنجارهای اسلامی در متن زندگی اجتماعی دنبال شد. نهایت این چرخه، تمدن‌سازی است؛ تمدنی که بتواند بدیلی برای تمدن غربی عرضه کند.

در این مسیر، حقوق اساسی به‌عنوان ابزار نظام‌سازی برای بسترسازی نظریه‌پردازی تمدن‌سازی همواره نقش محوری داشته است. این پیوستگی نشان می‌دهد که بدون نظریه پردازی در حوزه حقوق اساسی، هیچ‌یک از مراحل چرخه انقلاب اسلامی نمی‌توانند به‌طور کامل تحقق یابند.

جنگ تمدنی اسلام و استکبار؛ نزاع الگوهای زندگی

اهمیت این موضوع هنگامی بیش از پیش روشن می‌گردد که به این نکته توجه گردد که جهان امروز درگیر تقابلی عمیق میان دو منطق تمدنی است: منطق اسلام و منطق استکبار. این جنگ تمدنی تنها در میدان سیاست و اقتصاد جریان ندارد، بلکه در سطحی عمیق‌تر یعنی «الگوهای زندگی» رخ می‌دهد. تمدن غربی با محوریت لیبرالیسم کوشیده است سبک خاصی از زندگی را به‌عنوان الگوی جهان‌شمول عرضه کند. از مهم‌ترین محورها می‌توان به

فردگرایی، سکولاریسم، لذت‌گرایی و تقدم منافع مادی اشاره نمود. در مقابل، تمدن نوین اسلامی بر معنویت، عدالت اجتماعی، کرامت انسانی، خانواده‌محوری و پیوند دین و زندگی تأکید دارد.

حقوق اساسی در این نزاع، ابزاری حیاتی است. چراکه هر تمدن برای تثبیت سبک زندگی خود نیازمند چارچوبی حقوقی و نهادی است که نسبت میان قدرت و مردم، حقوق و تکالیف، آزادی و مسئولیت را روشن سازد. اگر تمدن نوین اسلامی بخواهد در این جنگ تمدنی پیروز شود، باید حقوق اساسی خود را از سطح یک سند ملی به سطح یک نظریه تمدنی ارتقا دهد.

تمدن نوین اسلامی؛ بازتعریف سبک زندگی جمعی برای جهان معاصر

تمدن نوین اسلامی تنها به گذشته باشکوه اسلامی اشاره ندارد، بلکه مأموریت آن بازتعریف سبک زندگی در جهان معاصر است. این تمدن می‌خواهد نشان دهد که امکان دارد در روزگار پیشرفت‌های علمی و پیچیدگی‌های اجتماعی، الگویی انسانی‌تر و معنوی‌تر برای زیست جمعی طراحی شود.

ابعاد این سبک زندگی را می‌توان در وجوه مختلفی از جمله بعد فردی (پرورش انسان مؤمن، خلاق و مسئولیت‌پذیر) بعد اجتماعی (استقرار عدالت اجتماعی، تقویت خانواده و همبستگی اجتماعی) بعد علمی و فرهنگی (پیوند میان علم و دین و جهت‌دهی دانش در مسیر تعالی انسان) بعد سیاسی و حقوقی (طراحی الگوی حکمرانی که هم الهی باشد و هم مردمی) و بعد بین‌المللی (ارائه الگویی الهام‌بخش برای ملت‌های جهان و تقویت جبهه مقاومت در برابر استکبار) ترسیم کرد. در همه این ابعاد، حقوق اساسی نقشی محوری دارد. چراکه این رشته، زبان رسمی طراحی قواعدی است که از سطح فردی تا سطح بین‌المللی، روابط انسانی را تنظیم می‌کند.

حقوق اساسی؛ بستر تولید نظریه حکمرانی اسلامی

تمدن نوین اسلامی بدون نظریه‌ای جامع در باب حکمرانی تحقق نخواهد یافت. حکمرانی به معنای چگونگی توزیع قدرت، طراحی نهادها، تعریف حقوق و تکالیف و تضمین آن‌ها است. حقوق اساسی دقیقاً همان علمی است که می‌تواند این نظریه را تولید و سامان دهد.

اگر تمدن غربی توانست با اتکا به نظریه قرارداد اجتماعی و فلسفه لیبرالی، حقوق اساسی خود را طراحی کند، تمدن اسلامی نیز باید با الهام از شریعت و تجربه جمهوری اسلامی، نظریه‌ای تازه در حکمرانی عرضه کند. این نظریه باید بتواند هم به اقتضائات داخلی پاسخ دهد و هم در سطح جهانی الهام‌بخش باشد.

حقوق اساسی ظرفیت آن را دارد که مجموعه‌ای از نظریه‌های جزئی حکمرانی را در دل خود جای دهد و به آن‌ها انسجام بخشد. نظریه عدالت، نظریه تقنین، نظریه مشارکت، نظریه امنیت و استقلال. نظریه نظارت و پاسخگویی از جمله خرده نظریاتی است که باید در چارچوب کلان نظریه حکمرانی اسلامی تعیین تکلیف گردد. به بیان دقیق‌تر این نظریه‌ها زمانی ارزش تمدنی پیدا می‌کنند که در قالب یک نظریه مادر حکمرانی اسلامی تبیین شوند. حقوق اساسی دقیقاً ظرفیتی برای چنین انسجام‌بخشی دارد.

در میان نظریه‌های جزئی، مردم‌سالاری دینی جایگاهی ویژه دارد. این نظریه می‌کوشد نسبت میان اراده الهی و اراده مردم را بازتعریف کند. برخلاف دموکراسی غربی که تنها بر اراده مردم تکیه دارد، و برخلاف نظام‌های سنتی دین‌سالاری یا تئوکراسی که صرفاً بر حاکمیت الهی تأکید می‌کردند، مردم‌سالاری دینی ترکیبی نوآورانه عرضه می‌کند.

حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران این نظریه را در ساختارسازی و نهادسازی خود در قانون اساسی بازتاب داده است: انتخابات، شوراها، نهادهای نظارتی و اصل ولایت فقیه همگی به گونه‌ای طراحی شده‌اند که پیوند شریعت و مردم در آن‌ها تجسم یافته است. از منظر تمدنی، این تجربه نه فقط برای ایران، بلکه برای ملت‌های دیگر نیز الهام‌بخش است؛ ملت‌هایی که در جست‌وجوی الگویی هستند که میان ایمان دینی و خواست اجتماعی جمع کند.

باید به این نکته توجه نمود که مرحله نهایی در تحقق امکان‌های تمدنی حقوق اساسی، ارتقای آن از سطح ملی به سطح جهانی است. تجربه جمهوری اسلامی ایران نشان داده است که می‌توان الگویی بدیل در حکمرانی ارائه داد. اما برای آنکه این تجربه به تمدن نوین اسلامی بدل شود، باید زبان جهانی حقوق اساسی تولید گردد؛ زبانی که ارزش‌های اسلامی را به صورت قواعدی جهان‌شمول و قابل فهم برای دیگر ملت‌ها بیان کند.

در این مسیر باید به اصول زیر به‌عنوان اصول بنیادین زیر اشاره نمود.

۱. اصول جهان‌شمول انسانی نظیر کرامت انسان، عدالت، آزادی و مسئولیت.

۲. ارزش‌های الهی نظیر پیوند انسان با خدا و معنا بخشی به زندگی.

۳. سازوکارهای نهادی کارآمد نظیر نهادهایی که قابلیت الگوبرداری و بومی‌سازی در کشورهای مختلف داشته باشند. در این افق، حقوق اساسی دیگر صرفاً ابزاری برای اداره یک کشور نخواهد بود، بلکه افقی تازه برای تمدن انسانی به شمار می‌آید.

در مقام جمع بندی باید بیان نمود که تمدن نوین اسلامی پروژه‌ای بلندمدت و چندلایه است که هدف آن بازآفرینی سبک زندگی انسانی در عصر جدید است. تحقق این پروژه بدون نظریه‌ای جامع در حکمرانی ممکن نیست، و این نظریه نیز بدون پشتوانه حقوق اساسی شکل نخواهد گرفت. حقوق اساسی می‌تواند نظریه‌های عدالت، تقنین، مشارکت و امنیت را در قالب یک نظریه مادر سامان دهد و آن را به‌عنوان الگویی جهانی عرضه کند.

بنابراین، اگر انقلاب اسلامی با شعار استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی آغاز شد، امروز در مرحله‌ای قرار داریم که باید از این تجربه به زبان تمدنی ارتقا دهیم. حقوق اساسی می‌تواند کلید این ارتقا باشد؛ کلیدی که آرمان‌های انقلاب را به تجربه ملت‌ها پیوند می‌زند و الگویی نو برای آینده بشریت عرضه می‌کند.



دانش خبر

بررسی سه مصوبه در مجمع مشورتی حقوقی شورای نگهبان

در مرداد و شهریور ماه ۳ جلسه مجمع مشورتی حقوقی برگزار شد که در آن پیرامون دستورجلسات آتی شورای نگهبان بحث صورت گرفت.



تقویت امنیت غذایی کشور و رفع موانع تولیدات کشاورزی» از حیث مغایرت یا عدم مغایرت با اصول قانون اساسی بررسی شد و حاضران درباره این مصوبه اظهار نظر کردند.

عضو حقوقدان شورای نگهبان؛ دکتر پروین، عضو حقوقدان شورای نگهبان و دکتر طحان نظیف، عضو حقوقدان و سخنگوی شورای نگهبان و جمعی از پژوهشگران تشکیل شد، «طرح

در جلسه روز یکشنبه ۵ مردادماه ۱۴۰۴ مجمع مشورتی حقوقی شورای نگهبان که با حضور دکتر کدخدایی، عضو حقوقدان و رییس پژوهشکده شورای نگهبان؛ دکتر مولایی،

شرکت مدیریت دارایی‌های شبکه بانکی» از حیث مغایرت یا عدم مغایرت با اصول قانون اساسی بررسی شد و حضار دربارۀ این مصوبه اظهار نظر کردند.

حقوقدان شورای نگهبان؛ دکتر طحان نظیف، عضو حقوقدان و سخنگوی شورای نگهبان دکتر پورسید، عضو حقوقدان شورای نگهبان و جمعی از پژوهشگران تشکیل شد، «اساسنامه

در جلسه روز یکشنبه ۲۶ مردادماه ۱۴۰۴ مجمع مشورتی حقوقی شورای نگهبان که با حضور دکتر کدخدایی، عضو حقوقدان و رییس پژوهشکده شورای نگهبان؛ دکتر مولایی، عضو



مصوبه اظهار نظر کردند. براساس این گزارش، شورای نگهبان یک بار نسبت به این مصوبه اظهار نظر کرده بود و آن را در برخی موارد دارای ابهام و در برخی موارد مغایر موازین شرع و اصول قانون اساسی تشخیص داده بود.

شورای نگهبان و جمعی از پژوهشگران تشکیل شد، «لایحه ساماندهی پرنده‌های هدایت‌پذیر از دور (پهپاد) غیرنظامی» از حیث رفع یا عدم رفع مغایرت‌های قبلی این مصوبه با قانون اساسی و نیز رفع ابهامات این مصوبه بررسی شد و حضار دربارۀ این

در جلسه روز یکشنبه ۹ شهریورماه ۱۴۰۴ مجمع مشورتی حقوقی شورای نگهبان که با حضور دکتر کدخدایی، عضو حقوقدان و رییس پژوهشکده شورای نگهبان؛ دکتر طحان نظیف، عضو حقوقدان و سخنگوی شورای نگهبان؛ دکتر پروین، عضو حقوقدان





برگزاری مدرسه تحلیلی حقوق و جنگ (با تأکید بر جنگ تحمیلی ۱۲ روزه رژیم صهیونی علیه ایران) در پژوهشکده شورای نگهبان

تهران، دانشگاه شهید بهشتی، دانشگاه علامه طباطبائی، دانشگاه تربیت مدرس، دانشگاه شاهد، دانشگاه امام صادق، دانشگاه قم، دانشگاه مفید، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، دانشگاه امام حسین، دانشگاه یزد، دانشگاه کاشان، دانشگاه شهید چمران اهواز و واحدهای دانشگاه آزاد اسلامی) برگزار گردید.

پژوهشکده شورای نگهبان با حضور ۷۵ نفر از دانشجویان و فارغ التحصیلان رشته‌های مختلف دانشگاهی (حقوق بین‌الملل، حقوق عمومی، حقوق خصوصی، حقوق جزا، فقه و مبانی حقوق اسلامی، علوم سیاسی، اقتصاد و جامعه‌شناسی) و مقاطع مختلف تحصیلی (۲۸ نفر دکتری، ۲۴ نفر کارشناسی ارشد و ۲۳ نفر کارشناسی) از دانشگاه‌های مختلف سطح کشور (دانشگاه

مورخ پنجم و ششم شهریور ماه ۱۴۰۴ مدرسه تحلیلی حقوق و جنگ با تأکید بر جنگ ۱۲ روزه رژیم صهیونی علیه ایران با حضور و ارائه اساتید مدعو جناب آقایان دکتر محسن عبداللهی، هیبت‌الله نژندی‌منش، کاظم کوهی اصفهانی، علیرضا شمشیری، علی بهادری جهرمی، حامد نیکونهاد، محسن ابوالحسنی و حجت الاسلام علیرضا جعفرزاده در محل





برگزاری ۳ جلسه فنی تخصصی در پژوهشکده شورای نگهبان

با حضور نمایندگان «بانک مرکزی» در رابطه با «اصلاح اساسنامه صندوق ضمانت سپرده‌ها» و «اساسنامه شرکت مدیریت دارایی‌های شبکه بانکی» برگزار شد و نکات این نهاد درباره آن‌ها دریافت گردید. علاوه بر این جلسه، جلسه دیگری راجع به اساسنامه فوق با آقایان خسروی و حبیب‌اله از کارشناسان حوزه بانکی در روز یکشنبه ۲۶ مرداد برگزار شد.

۸ مرداد ماه جلسه‌ای راجع به استعلامات شرعی دیوان عدالت اداری در حوزه بورس با حضور آقای اصل زعیم و همکاران‌شان از سازمان بورس و اوراق بهادار برگزار گردید.

روز سه‌شنبه ۱۴ مرداد جلسه‌ای با حضور نمایندگان «شرکت توسعه منابع آب و نیروی ایران» برگزار شد و نکات آنان راجع به «اصلاح اساسنامه شرکت سهامی توسعه منابع آب و نیروی ایران» شنیده شد. همچنین در همان روز جلسه‌ای

روز دوشنبه ۶ مرداد جلسه‌ای با حضور اعضای «ستاد راهبری اتباع خارجی و مهاجرین مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه» برگزار شد و نکات آنان راجع به لایحه «ساختار، وظایف و اختیارات سازمان ملی مهاجرت و ساماندهی اتباع خارجی» استماع گردید. همچنین در روز چهارشنبه ۸ مرداد جلسه‌ای با حضور «سردار مبینی» مشاور وزیر کشور و رئیس سابق مرکز امور اتباع و مهاجرین خارجی در همین رابطه برگزار شد.

انتشار نظرات استدلالی شورای نگهبان درباره ۷ مصوبه

مجرمان میان جمهوری اسلامی ایران و جمهوری بولیواری ونزوئلا

۵. لایحه موافقتنامه همکاری جمهوری اسلامی ایران و جمهوری پرتغال در حوزه‌های زبان، آموزش، فرهنگ، ورزش، جوانان، گردشگری و رسانه‌های جمعی

۶. لایحه معاهده میان دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت مالزی در زمینه استرداد مجرمین

میگردد. عناوین گزارشهای نظرات استدلالی به شرح زیر است:

۱. لایحه معاهده استرداد مجرمان بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری سوسیالیستی ویتنام

۲. اساسنامه صندوق بیماری‌های خاص و صعب‌العلاج

۳. لایحه معاهده انتقال محکومین بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری سوسیالیستی ویتنام

۴. لایحه موافقتنامه استرداد

درمرداد و شهریور، ۶ گزارش میبانی نظرات شورای نگهبان تحت عنوان نظرات استدلالی بررسی مشروح مذاکرات شورای نگهبان در مورد مصوبات مختلف تهیه شده است.

این گزارشات علاوه بر انتشار در درگاه رسمی شورای نگهبان یعنی سامانه جامع نظرات شورای نگهبان، برای نهادهای مختلف کشور از جمله مجلس شورای اسامی، دولت و مجمع تشخیص مصلحت نظام ارسال

بررسی ۲۱ پرونده استعلام شرعی دیوان عدالت اداری در پژوهشکده شورای نگهبان

بانکی و موضوعات مختلف مربوط به اداری و استخدامی و مسائل شهرداری‌ها و شوراهای اسلامی شهر و روستا مانند عوارض و تعرفه‌ها بوده است.

گزارش‌ها درباره طیف وسیعی از موضوعات از جمله مالکیت سیم‌کارت‌ها، چاه‌ها و بستر رودخانه‌ها، مناطق آزاد تجاری و شهرک‌های صنعتی، شهرسازی، مالیات، بورس و بازار سرمایه، بیمه، مسائل

در مرداد و شهریور ماه، ۲۱ گزارش راجع به استعلامات شرعی دیوان عدالت اداری پیرامون پرونده‌های دارای شکایت شرعی تهیه و به جلسه فقهی شورای نگهبان ارائه شده است. این

دیدار معاون قوانین مجلس شورای اسلامی با رئیس پژوهشکده شورای نگهبان



پژوهشکده شورای نگهبان برای انجام پژوهش‌های لازم بمنظور حل و فصل مسایل مربوطه و نیز استفاده از ظرفیت‌های کارشناسی پژوهشکده شورای نگهبان در راستای ارتقای دانش حقوق اساسی و الزامات قانونگذاری در مجلس شورای اسلامی از موضوعاتی بودند که در این جلسه درباره آنها بحث شد و قرار شد برای اجرایی شدن آنها برنامه‌ریزی شود.

توجه به سیاست‌های کلی قانونگذاری در فرایند تصویب قوانین و تسریع در تصویب قانون اجرای سیاست‌های کلی نظام قانونگذاری تاکید شد و بر تعامل بیشتر معاونت قوانین مجلس با پژوهشکده شورای نگهبان به منظور کاهش هزینه‌ها و تسریع در فرآیندهای قانونگذاری توفیق شد. همچنین تهیه فهرست مسائل نظام قانونگذاری و استفاده از ظرفیت‌های

در دیدار دکتر نادر نوروزی، معاون قوانین مجلس شورای اسلامی با دکتر کدخدایی، عضو حقوقدان و رییس پژوهشکده شورای نگهبان که با حضور کارشناسان معاونت قوانین مجلس شورای اسلامی و پژوهشکده شورای نگهبان صورت گرفت درباره ارتقای سطح تعامل این دو مجموعه گفت‌وگو شد. گفتنی است در این دیدار بر موضوعاتی مانند لزوم

برگزاری ۶ پیش نشست علمی برای همایش بین المللی آزادی در منظومه فکری آیت الله العظمی خامنه ای (مد ظله العالی)

همایش بین المللی حقوق ملت و آزادی های مشروع در فضای مجازی

حق بر دادخواهی و نظام حقوقی حاکم بر مسئولیت ها

در فضای مجازی

زمان برگزاری:
دوشنبه ۳ شهریور، ساعت ۱۰-۱۲

مکان برگزاری:
میدان آرژانتین، خیابان بیهقی،
نیش خیابان شانزدهم غربی،
مرکز ملی فضای مجازی، طبقه ۱۲

دکتر محمد صادق فراهانی
معاون حقوقی و امور مجلس
مرکز ملی فضای مجازی

دکتر علی حکیم جوادی
رئیس سازمان نظام صنفی
رابطه های کشور

محمد رضا علیپور
پژوهشگر اندیشکده برنا

ISC



modello iraniano*, in evidenza
Scritto da Redazione

Stampa | Email | Galleria immagini

Constitutional Council Research Institute

Rassegna quotidiana.

finanziamenti pubblici, aiutaci a migliorare nostro servizio e a conservare la nostra indipendenza, con una piccola donazione GRAZIE!

Fai una donazione con il pulsante PayPal

PNRR SOLUTIONS
Supportiamo le imprese nel beneficiare delle agevolazioni e degli investimenti previsti dal PNRR.

UniCred

CATTOLICA
MILANO - GENOVA - ROMA - FIRENZE

Assicapi art

این پیش نشست ها به همت پژوهشکده شورای نگهبان با موضوعات زیر برگزار گردیدند.

۱. آزادی بدون هویت و آزادی ریشه دار در الگوی غربی و ایرانی بصورت مجازی در تاریخ ۱۹ تیرماه
۲. مردم سالاری دینی شهروندمدار در اندیشه و روش حضرت آیت الله العظمی خامنه ای (مد ظله العالی) - دانشگاه آزاد اسلامی کرج در تاریخ ۲۳ تیرماه
۳. نسبت حقوق ملت و آزادی های مشروع با افزایش مشارکت سیاسی مردمدر منظومه فکری مقام معظم رهبری - مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی در تاریخ ۳۱ تیرماه
۴. نقش اجرای سیاست های کلی نظام در تحقق حقوق ملت و آزادی های مشروع - پژوهشکده تحقیقات راهبردی مجمع تشخیص مصلحت نظام در تاریخ ۱۴ مرداد
۵. حق بر دادخواهی و نظام حقوقی حاکم بر مسئولیت ها در فضای مجازی - مرکز ملی فضای مجازی در تاریخ ۳ شهریورماه
۶. جایگاه هنر در منظومه فکری و گفتمان رهبر انقلاب با تأکید بر حوزه موسیقی دانشگاه قم در تاریخ ۵ شهریورماه

چهل و هشتمین شماره فصلنامه دانش حقوق عمومی منتشر شد

پژوهشکده شورای نگهبان چهل و هشتمین شماره (تابستان ۱۴۰۴) فصلنامه علمی- پژوهشی دانش حقوق عمومی را منتشر کرد. این فصلنامه که با هدف پیشبرد و اعتلای نظام حقوقی کشور به انتشار مقالات علمی- پژوهشی در حوزه حقوق عمومی مبتنی بر موازین اسلامی و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران می پردازد که با صاحب امتیازی پژوهشکده شورای نگهبان منتشر می شود.

علاقه مندان و پژوهشگران می توانند برای دریافت چکیده و اصل مقالات شماره جدید و اطلاع از فرایند چاپ مقالات در فصلنامه علمی- پژوهشی دانش حقوق عمومی به نشانی اینترنتی mag.shora-rc.ir مراجعه کنند.

فصلنامه دانش حقوق عمومی

«نظام اداری صحیح» در نظرات شورای نگهبان
علی آریان نژاد، محمدصادق فراهانی، علی فتاحی زفرقندی

آسیب شناسی قوانین و مقررات مربوط به قراردادهای دولتی در توسعه اقتصادی کشور
حامد سهرابی، محمد منطری

ضرورت سنجی پیوست تحلیل اقتصادی موضوع قانون به مثابه لازمه قانونگذاری اثر بخش
سیداحمد حبیبی نژاد، سمیرا خونی

مطالعه تطبیقی ساختار و صلاحیت های شورای نگهبان با دادگاه عالی فدرال عراق و دادگاه عالی قانون اساسی سوریه
محمد جلیلی شاه منصور، سید ابراهیم حسینی

امکان سنجی نظرات بر محتوای مناظرات انتخاباتی ریاست جمهوری ایران
علی تقی نژاد، سیدمحمد مهدی غمائی، محمدرضا حکاکزاده

نزاع قدیم و جدید در تعارض شرع و قانون
رضا پورمحمدی

«تناسب» به مثابه معیاری برای «نظام اداری صحیح» در پروتو نظرات شورای نگهبان
علی صابری دمنه، سید محمدهادی راجی

شیوه های نظارت بر مصوبات شوراهای فرا قوهای در نظام حقوقی ایران
مجید مرادی، مصطفی منصوریان

سال چهاردهم - تابستان ۱۴۰۴
شماره ۴۸
شابا: ۲۳۸۳-۱۵۹۶



بازدید دانشجویان مقطع کارشناسی رشته حقوق دانشگاه اراک از پژوهشکده شورای نگهبان





شورای نگهبان ضمن ارائه
فرآیند نظارت بر مصوبات
مجلس، نسبت به تبیین و
آشنایی بازدید کنندگان با
جایگاه و صلاحیت های شورای
نگهبان، همچنین فعالیت
های معاونت پژوهش های
کاربردی (کارشناسی) و عملکرد
شورای نگهبان اقدام نمودند.

نسبت به آشنایی بازدید
کنندگان با قانون اساسی
جمهوری اسلامی ایران،
تبیین راهبردهای پژوهشی و
معرفی پروژه های پژوهشی
پژوهشکده پرداختند. در ادامه
جناب آقای محسن ابوالحسنی
معاون پژوهش های
کاربردی (کارشناسی) پژوهشکده

در این بازدید ۲ ساعته
ضمن مشاهده اسناد حقوق
عمومی و جدیدترین آثار
علمی و پژوهشی تولید شده
توسط پژوهشکده شورای
نگهبان، جناب آقای کمال
کدخدامرادی مدیر گروه
مطالعات قانون و قانونگذاری
پژوهشکده شورای نگهبان



قلمرو قانون؛



تفسیرها، تحلیل‌ها و اندیشه‌های حقوقی راهگشا

**استاد حقوق اساسی دانشگاه هاروارد؛ کاهش حس
ضرورت کاذب و اصلاح نهادهای کنونی از نتایج مطالعه
تطبیقی حقوق اساسی است**



گفت‌وگو و ترجمه: محمد شکوهی‌فر

اشاره: مارک ویکتور تاشنیت (متولد ۱۸ نوامبر ۱۹۴۵) حقوق‌دادن آمریکایی است که در حقوق اساسی و نظریه‌های آن، از جمله در حوزه حقوق اساسی تطبیقی، تخصص دارد و او را با «جنبش مطالعات حقوقی انتقادی» می‌شناسند. وی هم‌اکنون استاد دانشکده حقوق دانشگاه هاروارد است و از حامیان اصلی تحدید شدید نظارت قضایی به شمار می‌رود که باور دارد قانون اساسی باید به صاحبان اصلی‌اش یعنی «مردم» بازگردانده شود. تاشنیت مدرک دکترای خود را از دانشکده حقوق ییل (Yale Law School) دریافت کرده و عضو هیئت علمی دانشگاه دانشگاه ویسکانسین - مدیسن نیز بوده است. وی سال‌ها در مرکز حقوق دانشگاه جورج تاون تدریس می‌کرد و هم‌اکنون در دانشگاه دوک نیز

جنین بدون محدودیت‌های مفرط دولتی پشتیبانی می‌کند.

از وی تاکنون ۳۰ کتاب به چاپ رسیده است که از بین آنها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. فدرالیسم اساسی تطبیقی در اروپا و آمریکا چاپ ۱۹۹۰

۲. دادگاه‌های ضعیف، حقوق قوی: نظارت قضایی و حقوق رفاه اجتماعی در قانون اساسی تطبیقی چاپ ۲۰۰۷

۳. بازپس‌گیری قانون اساسی: قضات کنشگر و آینده قانون در آمریکا چاپ ۲۰۲۰



متن کامل گفت‌وگو با این استاد حقوق اساسی دانشکده حقوق دانشگاه هاروارد را در ادامه می‌خوانید.

سوال: رشته حقوق اساسی تطبیقی در سال‌های اخیر مورد استقبال دانشگاهیان قرار گرفته است و به‌عنوان رشته‌ای پویا که ظرفیت‌های خلاقانه فکری زیادی دارد، طیف گسترده‌ای از رویکردها و روش‌شناسی‌ها را در برمی‌گیرد. نظر شما در مورد این رشته چیست و چگونه می‌تواند به بهبود عملکرد نظام‌های حقوقی کشورها کمک کند؟

بر این باورم که مطالعات «حقوق اساسی تطبیقی» حوزه‌ای سودمند است و یکی از ظرفیت‌های این رشته، کاهش حس

تدریس می‌کند. مارک تاشنت از سال ۱۹۷۲ تا ۱۹۷۳ دستیار قضایی تورگود مارشال، قاضی دیوان عالی ایالات متحده آمریکا، بود. یادداشتی که وی در پرونده «رو علیه وید» (Roe Versus Wade) به قاضی مارشال داد تأثیر بسزایی در نتیجه پرونده داشت که منجر به لغو قانون ممنوعیت سقط جنین شد. در سال ۲۰۱۶، او یکی از ۱۰ استاد پراستناد حقوق در جهان بود. رو علیه وید، حکم تاریخی دیوان عالی ایالات متحده آمریکا در سال ۱۹۷۳ در خصوص قانونی‌شدن سقط جنین بود که در آن دیوان عالی حکم داد که قانون اساسی ایالات متحده آمریکا از آزادی زن برای انتخاب انجام سقط

«ضرورت کاذب» است. منظور از ضرورت کاذب این است که سازوکارهای حکمرانی کنونی تنها شیوه ممکن و مناسب برای کشور هستند و این از طریق بررسی این سازوکارها در دیگر کشورها و عملکرد متفاوت آنها ممکن است. مزیت دیگر این رشته این است که پژوهشگران و فعالان این حوزه را تشویق به اندیشه‌ورزی می‌کند تا چگونگی اصلاح نهادها و سازوکارهای کنونی و نیل به اهداف مطلوب را بررسی کنند. به‌علاوه، حقوق اساسی تطبیقی زمینه‌ای را فراهم می‌کند تا ملت‌ها دریابند چطور ویژگی‌های منحصر به فرد دولت متبوع‌شان درون چارچوب نظام بین‌الملل می‌گنجد و نمود پیدا می‌کند.

سوال: همان گونه که می‌دانید، در بسیاری از کشورهای جهان، انحصارگرایی قانون اساسی داخلی همچنان پابرجاست و پایه‌های بسیار محکمی نیز دارد. تفاوت‌هایی در ایدئولوژی و رویکرد کشورها نسبت به یکپارچگی ملی وجود دارد و به نظر می‌رسد که باید همگرایی بالایی بین آنها شکل بگیرد. درباره چالش‌های کنونی چه دیدگاهی دارید؟ چطور می‌توان آنها را از بین برد؟ آیا می‌توان از قانون اساسی تطبیقی برای حل و فصل مسائل و مشکلات داخلی کشورها بهره گرفت؟

انجام پژوهش‌های دقیق و سنجیده در حوزه حقوق اساسی تطبیقی همیشه متأثر از ویژگی‌های ملی و مختص به خود کشورها بوده است که این شامل تاریخ و ایدئولوژی‌های پیشین و کنونی آن می‌شود.

بنابراین، خلاف آنهایی که سازوکارهای حکمرانی کنونی را نشان‌دهنده ضرورتی «کاذب» می‌دانند، پژوهشگران تطبیقی هوشیارانه تأیید خواهند کرد که در برهه کنونی، چارچوب‌های کلی و حتی برخی از جزئیات نهادهای رسمی کشورها- هر چند به طور موقت- ثابت و بدون تغییر هستند. بی‌شک، برخی از حوزه‌های مختلف علم حقوق اساسی تطبیقی دارای جهت‌گیری و رویکردهای «فرهنگی» هستند، یعنی تلاش می‌کنند تا چگونگی ارتباط رویکردهای مختلف کشورها را با فرهنگ‌های مختلف آنها نشان دهند. با این اوصاف، من بر این باورم که هرچه در این حوزه بیشتر بدانیم بهتر است تا اینکه ندانیم یا کم بدانیم. دیگر اینکه دانستن درباره قوانین اساسی و نهادهای سازمانی دیگر کشورها و چگونگی مواجه آنها با مسائل مهم داخلی احتمالاً به تصمیم‌گیری‌های داخلی کشور خودمان نیز کمک می‌کند؛ چه خوب می‌شد اگر این امر با ارائه الگوها و استدلال‌هایی برای چگونگی انجام دادن یا ندادن کارها تحقق می‌یافت.

سوال: در یکی از پژوهش‌های اخیرتان، درباره نقش دادگاه‌ها در «ایجاد توان و ظرفیت دولتی و ارتقای حکمرانی مؤثر و در عین حال صیانت از حقوق افراد» سخن گفته‌اید. از دیدگاه شما چگونه ظرفیت دولتی در دادرسی اساسی نمود پیدا می‌کند و دادگاه‌ها چه کمکی می‌توانند به حکمرانی مؤثر بکنند؟

دادگاه‌ها، هنگام تفسیر قانون اساسی

اساسی کشور و همچنین در قوانین موضوعه مصوب آمده است، مشارکت می‌کنند. ظرفیت دولت در هر برهه‌ای بین نهادهای دولتی و طبیعتاً دادگاه‌ها توزیع می‌شود. با این حال، این ظرفیت ثابت نیست و اگر توان دولتی افزایش یابد، امکان اعمال بیشتر قدرت قضایی به وجود می‌آید. همچنین، بی‌شک، دادگاه‌ها تحت شرایط خاصی می‌توانند خود دست به اقداماتی بزنند و ترغیب به ظرفیت‌سازی کنند، مثلاً با دادن مشوق‌هایی برای ارتقای توانایی ادارات دولتی در پیشبرد تکالیفی که رؤسای آن ادارات به انجام آنها متعهدند. تحلیلگران در بررسی نهادهای هر کشوری که مد نظر دارند بهتر است گوشه‌چشمی نیز به این داشته باشند که یک، دادگاه‌ها با توجه به ظرفیت‌های دولتی و قضایی کنونی چه کاری می‌توانند انجام دهند و دو، چه اقداماتی را ممکن است برای افزایش آن ظرفیت‌ها صورت دهند.

کشورشان، به‌ندرت به توانمندی دولت‌ها اشاره مستقیم می‌کنند. در واقع، مفاهیم مرتبط با ظرفیت‌های دولتی را به شکلی غیرمستقیم و به دو شیوه نشان می‌دهند؛ نخست، گاهی آنها به یک تخلف یا مغایرت اساسی - به دلیل عدم ظرفیت‌سازی دولت و همچنین عدم رسیدگی به مشکلات اجتماعی ناشی از آن مفاد اساسی - اشاره می‌کنند و دوم، گاهی دادگاه‌ها از پرداختن به تخلفات و مغایرت‌های اساسی خودداری می‌کنند چون بر این باورند که چنین کاری وظایفی را بر دوش خود آنها تحمیل می‌کند که صلاحیت و ظرفیت پرداختن به آنها را ندارند. برای نمونه، می‌توان به ظرفیت نظارت بر پایبندی دولت به الزامات قانون اساسی اشاره کرد.

سوال: مقاله خود را با نتیجه‌گیری زیر به پایان رساندید: «رسیدن به شناختی صحیح از نقش دادرسی قضایی در دولت‌سازی، به ما امکان دستیابی به فهم بهتری از نقش پیچیده‌ای می‌دهد که دادگاه‌ها در بیشتر کشورهای در حال توسعه بازی می‌کنند؛ همچنین ما را قادر می‌سازد تا به درک بهتری از چالشی برسیم که قانون اساسی گرایبی همزمان در ساخت و محدودسازی قدرت دولت با آن روبه‌رو می‌شود.» لطفاً در این باره بیشتر توضیح دهید.

به زبان ساده، دادگاه‌ها جزئی از دولت هستند. از این رو، آنها در اجرای سیاست‌های دولتی، بیشتر به همان گونه‌ای که در قانون



تحلیل نظر فقهای شورای نگهبان؛ دادگاه‌ها نمی‌توانند ردیابی موبایل برای کشف جرم را کاملاً محدود کنند



محمد خزایی
دانشجوی دکتری حقوق عمومی دانشگاه امام صادق (ع)

می‌شود، در مواردی با ضرورت‌های دیگری مانند ضرورت کشف جرم به چالش کشیده است.

در این میان استفاده روزانه غالب افراد از تلفن‌های همراه و امکان ردیابی و مکان‌یابی آن‌ها به یکی از عرصه‌های تراحم میان ضرورت حفظ حریم خصوصی افراد و ضرورت کشف جرم بدل شده و این موضوع را به یکی از مباحث پیچیده حقوقی تبدیل کرده است. از یک سو، این

اصل ۲۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر حرمت حریم خصوصی شهروندان، بازرسی و نرساندن نامه‌ها، ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی، افشای مخابرات تلگرافی و تلکس، سانسور، عدم مخابره و نرساندن آن‌ها، استراق سمع و هرگونه تجسس را ممنوع اعلام کرده است، مگر به حکم قانون. این اصل بنیادین که از ارکان حقوق شهروندی و ضمانتی بر حفظ حریم خصوصی شهروندان محسوب

و چهارچوب استفاده از امکان کنترل ارتباطات مخابراتی افراد برای کشف جرائم کرده‌اند. این دستورالعمل‌ها غالباً امکان استفاده از این ظرفیت را صرفاً برای برخی جرائم خاص امکان‌پذیر می‌دانند. مانند دستورالعمل شماره ۶۱/۲۵۱۳/۰۱ مصوب ۱۴۰۱/۱/۴ رئیس کل دادگستری استان گیلان که اخیر مورد شکایت یک شهروند واقع شد که نهایتاً منجر به ابطال اطلاق آن توسط فقهای شورای نگهبان گردید. این دستورالعمل که با استناد به اصل ۲۵ قانون اساسی و ماده ۱۵۰ قانون



ابزارها امکانات بی‌نظیری برای کشف جرم و تأمین امنیت جامعه فراهم می‌کنند و از سوی دیگر، استفاده از آن‌ها می‌تواند حریم خصوصی شهروندان را به شدت مخدوش کند و زمینه‌ساز سوءاستفاده‌های احتمالی شود.

در سال‌های اخیر این تعارض میان ضرورت کشف جرم و حفظ حریم خصوصی، موضوع بحث‌های فراوانی در میان حقوقدانان و قضات بوده است. ماده ۱۵۰ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ نیز تلاش کرده تا چارچوبی برای این تعارض تعیین کند، اما همواره ابهاماتی در تفسیر و اجرای آن وجود داشته است.

این ماده به تبعیت از اصل ۲۵ قانون اساسی ابتدائاً کنترل ارتباطات مخابراتی افراد را ممنوع دانسته و در ادامه استثنائاتی بر این ممنوعیت وضع کرده است. این ماده تصریح می‌کند کنترل ارتباطات مخابراتی افراد صرفاً در موارد مرتبط با امنیت داخلی و خارجی کشور یا برای کشف جرائم خاص ممکن است و اعمال آن را نیز منوط به موافقت رئیس کل دادگستری استان و با تعیین مدت و دفعات کنترل می‌باشد.

در راستای این ماده در موارد بسیاری رؤسای کل دادگستری استان‌های مختلف به عنوان قاضی ویژه ناظر بر اجرای اصل ۲۵ قانون اساسی اقدام به صدور دستورالعمل‌هایی در خصوص محدودیت‌ها

آیین دادرسی کیفری تدوین شده بود، محدودیت‌های گسترده‌ای را بر ردیابی و مکان‌یابی تلفن همراه همراه اعمال می‌کرد. براساس این دستورالعمل، درخواست‌های ردیابی تنها برای جرائم مرتبط با امنیت داخلی کشور و مواردی مانند جاسوسی، اقدامات تروریستی، قتل، سرقت‌های مسلحانه، آدم‌ربایی، قاچاق مواد مخدر و جرائم مالی قابل پیگیری بود. در مقابل، برای پرونده‌هایی با موضوع مزاحمت تلفنی، توهین، ارتباط نامشروع و زنا تصریح شده بود که به هیچ عنوان نمی‌توان از ظرفیت ردیابی و کنترل ارتباطات مخابراتی استفاده کرد.

شاکی در شکایت خود استدلال کرده بود که چنین محدودیت‌هایی مانع کشف برخی جرائم می‌شود و با اصول ۷۳، ۱۵۸ و ۱۵۹ قانون اساسی و همچنین مواد ۱۵۰ و ۴۷۱ قانون آیین دادرسی کیفری و به موازین شرع نیز مغایرت دارد.

با این حال هیئت تخصصی اداری و امور عمومی دیوان عدالت اداری با اتفاق آراء اعلام کرد که مقرره مورد شکایت مغایرتی با قانون ندارد و در نتیجه مصوبه از راهیابی برای بررسی در هیئت عمومی دیوان عدالت اداری بازماند. لکن به سبب آنکه این شکایت وجه شرعی داشت، مستند به ماده ۸۷ قانون دیوان عدالت اداری برای انطباق با موازین شرع به شورای نگهبان ارسال شد.

فقه‌های شورای نگهبان نیز پس از بررسی موضوع در جلسه ۲۳ خرداد امسال خود که اخیراً توسط شورای نگهبان منتشر شده است، نظری ارائه دادند که با توجه به دو اصل مهم، کشف جرم و حفظ حریم خصوصی اطلاق مصوبه رئیس کل دادگستری استان گیلان را ابطال می‌کند. فقه‌های شورای نگهبان در نظر اخیر خود اعلام کردند که با توجه به اینکه مسئولیت کشف جرم و تعقیب مجرمین بر عهده قوه قضائیه است، در مواردی که کشف جرم یا کیفر مجرم منحصرأ متوقف بر اقداماتی نظیر استعلام پیام کوتاه و ردیابی باشد، اطلاق ایجاد محدودیت‌های مذکور خلاف شرع است.

البته فقه‌های شورای نگهبان سه شرط اساسی برای مجاز بودن این اقدامات تعیین کردند: نخست آنکه کشف جرم یا کیفر مجرم منحصرأ متوقف بر این اقدامات باشد، دوم آنکه مزاحم امر مهم‌تری نباشد، و سوم آنکه از نظر شرعی ممنوعیتی وجود نداشته باشد.

فقه‌های شورای نگهبان برای روشن‌تر کردن موضع خود، مثال عملی مزاحمت تلفنی را در اظهارنظر خود مورد اشاره قرار داده‌اند. آن‌ها توضیح دادند که اگر شخصی آن‌قدر مزاحمت تلفنی ایجاد کند که امکان استفاده صاحب تلفن از آن سلب شود و راهی جز شناسایی مزاحم از طریق کنترل مخابراتی نباشد، رفع این ظلم بر



مسئولین قوه قضائیه واجب است؛ مخصوصاً با توجه به اینکه بر برخی از این موارد عنوان تجسس صدق نمی‌کند.

اهمیت این نظر از آن جهت است که رویکرد مطلق‌گرایانه بسیاری از محاکم در ممانعت در استفاده از ردیابی و کنترل مخابراتی برای کشف برخی جرائم را رد و تعدیل می‌کند. اظهارنظر شورای نگهبان با تأکید بر اینکه قوه قضائیه مسئول کشف جرم، تعقیب و مجازات و تعزیر مجرمین و اجرای حدود و پیشگیری از وقوع جرم می‌باشد؛ بر اینکه رفع ظلم بر مسئولین قوه قضائیه واجب است تصریح می‌کند. موضوعی که باید به اندازه اهمیت جلوگیری از تعرض به حریم خصوصی افراد مورد توجه قوه قضائیه باشد.

بنابراین ابطال مصوبه مذکور و نظر فقهای شورای نگهبان، در واقع باید نقطه شروعی بر تغییر نگرش قوه قضائیه و قضات به امکان استفاده از ظرفیت کنترل مخابراتی و ردیابی برای کشف جرم به عنوان یک فرصت احقاق حق و نه صرفاً تهدید حریم خصوصی افراد باشد. موضوعی که ضروری است در اصلاح رویه محاکم خصوصاً دستورالعمل‌های مشابه رؤسای کل دادگستری‌های استان‌های مختلف ظهور یابد و با آگاهی و کلا بیش از پیش به جلوگیری از بی‌کیفرمانی بزه‌کاران و رفع ظلم از بزه‌دیدگان منجر شود.



«کار کثیف» اروپایی ها، میراث ماندگار مکتب ماکیاولی



دکتر مهدی ابراهیمی
پژوهشگر پژوهشکده شورای نگهبان

بفهمیم در عصر پسامدرن امروزی که فرهنگ غربی پاسداشت حقوق انسانی و بشری را در تارک فضایل خود معرفی می کند، کدام اندیشه و ایدئولوژی رفتاری، محرک اصلی و تصمیم ساز واقعی تمدن ایشان است که پیامد آن این قبیل تعابیر زشت و زننده می باشد. به راستی آیا در دوره معاصر خصیصه دیرین نژاد پرستی و درنده خویی غرب تغییر کرده یا صرفاً نقابی فریبنده از حقوق بشر و لیبرال دموکراسی بر چهره دارد؟ پس از تجربه متفکرین غربی از سلطه کلیسا در قرون وسطی، نظریات متفاوتی در خصوص

چندی پیش آقای فردریش مرتس، صدراعظم آلمان در حاشیه اجلاس گروه هفت در کانادا و در مصاحبه‌ای با شبکه زد.دی.اف (ZDF) اذعان کرد که تجاوز رژیم صهیونیستی به حریم مقدس جمهوری اسلامی ایران، همان «کار کثیف» ما اروپایی هاست که اسرائیل دارد انجام می دهد. فارغ از گستاخی و پلشتی اظهار و اعلام صریح این مساله، این یادداشت مجال مناسبی است که ماهیت این گزاره مورد واکاوی قرار گیرد و بار دیگر هویت ذاتی و خصایص رفتاری این جماعت مغرور از رهگذر تاریخ چند قرن اخیر مورد مطالعه قرار گیرد. هدف آن است که

از رنسانس تا کنون علیرغم ظهور و زوال بسیاری از مکاتب فکری، این مکتب منحوس ماکیاولی و عقاید باطل آن است که همچنان جایگاه و مرجعیت خود را در عرصه الگوی رفتار سیاستمداران غربی حفظ کرده و در واقع به رکن رکن اندیشه غربی در تعاملات ملی و بین المللی تبدیل شده است. به گونه ای که امروزه و به سبب تغییر موازنه قدرت، سردمداران گفتمان غربی که زمانی دم از مرجعیت اسناد بین المللی و لزوم تبعیت از سازکارهای ایجاد شده در روابط حاکم داشتند، علناً از مسیر دگر می روند و در جهت تامین منافع شوم خود در روز روشن، آن کار دگر را می کنند. درک کامل این مساله سوای وقایع تلخ چند سال گذشته در غزه که به حمایت تمام عیار کشورهای اروپایی و آمریکای جهان خوار انجام گرفته است، از رهگذر تجربه تاریخی حاصل می شود تا بهترین تفسیر عبارت «کار کثیف» اروپایی ها از سابقه و ماهیت دیرین ایشان شناخته شود.

اگرچه صدر اعظم آلمان این عبارت را در خصوص اقدامات ددمنشانه اسرائیل علیه ایران مطرح کرد و حقد و کینه غریبان نسبت به نماینده و رکن اصلی جبهه مقاومت را برملا ساخت، اما برای همگان به روشنی واضح است که دشمنی و حب استیلای ایشان نه محدود به دوره کنونی است و نه به جغرافیای ایران. کارنامه کشورهای غربی در دوره استعمار و فجایعی که تاریخ در اقصی نقاط دنیا به ثبت رسانده است به خوبی بیانگر تناسب این عبارات با سرشت ناپاک گویندگان آن است. گواه این مساله ملت های مظلومی هستند که در آمار میلیونی، همچون مردم الجزایر در آفریقا

جایگزینی عقاید کلیسایی و ارزش های دین مسیحیت با اندیشه های انسانی جدید مطرح شد. این جایگزینی اغلب با عنوان میل به واقع گرایی (رئالیسم) و تجربه پذیری اصول و ارزش های حاکم در عرصه های مختلف اقتصاد، حقوق، سیاست و علوم اجتماعی پیشنهاد شد. از برجسته ترین این مکاتب فکری، الگوی فکری نیکولو ماکیاولی (۱۴۶۹-۱۵۲۷) بود که از قضا بسیار مورد توجه سیاستمداران غربی قرار گرفت. به طور خلاصه ایده ماکیاولی این بود که حاکم، برای حفظ قدرت و ثبات خود، باید از هر «کار کثیفی»، حتی فریب، خشونت، و رفتارهای غیراخلاقی بهره بگیرد و سلطه خود را به هر نحو ممکن تداوم بخشد. ماکیاولی، با تأکید بر اصل شوم و ضددینی «هدف وسیله را توجیه می کند»، معتقد بود ترس، بیش از محبت، حاکم را در جایگاه خود استوار می دارد، لاجرم حاکم باید از اساس تا حد ممکن ظالم و سلطه گر باشد. وی، از منظر رئالیستی، دین و اخلاق را ابزارهایی در خدمت سیاست می دید، نه اصول حاکم بر آن، و بر اهمیت نیروی نظامی و اقتدار قهری برای تثبیت حکومت تأکید می ورزید. این جوهره همواره در رفتار دول غربی در دوره استعمار و حتی امروز وجود داشته و مبنای قتل و غارت بسیاری از کشورهای مستضعف بوده است. البته سازکار رسانه و فریب افکار عمومی در قرن اخیر به قدری این رویه های شایع و جاری را بزرگ کرده و مزورانه با ادعاهای جهان فریب ممزوج ساخته است که مردم دنیا کمترین آگاهی را از هویت نظام ظالمانه غربی حاکم پیدا کرده و نقاب تزویر و ریا بقای ایشان را تضمین نموده است.

و یا بومیان آمریکایی، در خانه خود مورد قتل و غارت قرار گرفتند.

یک نمونه از «کار کثیف» فرزندان ماکیاولی در دوره معاصر را می توان در قالب دو جنگ جهانی مشاهده کرد که دو جبهه متفقین و متحدین، تعارض منافع ایشان کشتار قریب به یکصد میلیون انسان به راه انداخته و پس از ویرانی خانمان سوز برای بشر، بر اجساد و قبور آن ها مدعی تاسیس نظم و نظام جدید در عرصه بین الملل شدند. تجربه سیاه دو جنگ جهانی و حجم خسارات مادی و معنوی کشورهای غربی به حدی بود که حتی در مقدمه منشور ملل متحد مورد اشاره و انذار قرار گرفته است: «ما مردم سازمان ملل متحد، مصمم هستیم که نسل های آینده را از بلای جنگ نجات دهیم، جنگی که دو بار در عمر ما انسانیت را دچار اندوه و زیان بی حد و اندازه کرده است...»

اما مع الاسف فجایع مزبور پایان بخش جنایات تمدن غربی علیه ملت های جهان نبود. حمایت از افراتی گری و برافروختن شعله اختلاف میان کشورها از دیگر «کارهای کثیف» اروپایی ها به شمار می رود که پس از استقلال کشورها در قرن اخیر در دستور کار قرار گرفت. امری که بهانه حضور و غارت سرمایه های ملی کشورها توسط ابرقدرت هایی چون آمریکا در دهه های اخیر شده و ملت های مظلوم را بر آن داشته که پس از ناامنی، تجاوز و قتل عام توسط شبه نظامیان غرب ساخته، شاهد تاراج نعمت های خدادادی شان به بهانه مبارزه با تروریسم توسط همان هایی که باشند که بانیان و مسببین

افراطی گری و حامیان مالی آن بوده اند.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی و زمانی که به یمن درخشش زعامت شیعه، نقاب از چهره تاریک استعمار نوین افتاد و دستان متجاوز و پلید ایشان از این مرز و بوم بریده شد، گفتمان جهانی جدیدی دال بر هویت بخشی به ملت ها و کرامت خداداد همه آحاد بشری شکل گرفت. گفتمانی که بر مبنای تعالیم حیات بخش اسلامی طرح می شد و همه آزادگان جهان را به بازیابی شخصیت اصیل و ملی خویش و رهایی از بار ذلت مستکبرین دعوت می کرد. رسالتی که بستر ساز مقاومت جهانی در برابر هژمون شوم غربی بود. در طلیعه قانون اساسی، قیام اسلامی ملت ایران جنبشی مداوم و «حرکتی برای پیروزی تمامی مستضعفین بر مستکبرین» معرفی شد تا «زمینه تداوم این انقلاب را در داخل و خارج کشور» فراهم کند. جوهر پویای این انقلاب «به ویژه در گسترش روابط بین المللی با دیگر جنبش های اسلامی و مردمی می کوشد تا راه تشکیل امت واحد جهانی را هموار کند.» امری که امروزه از شرق تا غرب عالم در قالب جبهه مردمی مقاومت و مزین به پرچم جمهوری اسلامی، محبوبیت یافته و روز به روز بر طرفداران آن افزوده می شود.

علی القاعده در برابر این اندیشه صلح آفرین، بازهم کار کثیف استعمارگران مدرن از بدو آغاز شد و با تحمیل تحریم ها و جنگی هشت ساله به فکر براندازی این شجره طیبه و برقراری سلطه دیرین افتادند. کشور آلمان که صدر اعظم آن اکنون با جنایت های رژیم سفاک صهیونی

ویژه داشته و در تمامی تعاملات سیاسی با دول غربی، خصوصاً در پی جنگ دوازده روزه تحمیلی اخیر و هزینه هنگفتی که بر این مرز و بوم وارد شد، آن را نصب‌العین خویش قرار دهند. چرا که در طرف دیگر میز، اهل «کار کثیف» نشسته است.



ابراز خرسندی و همراهی می‌کند، بخوبی به یاد دارد که طی سالیان جنگ تحمیلی چگونه در تجهیز صدام جنایتکار به سلاح‌های شیمیایی ممنوعه کوتاهی نداشته و دین خود را در انجام «کار کثیف» به طور کامل ادا کرده است. در سالیان اخیر نیز آلمان و شماری از دولت‌های عضو اتحادیه اروپا، ظاهراً تحت لوای داعیه گسترش دموکراسی و آزادی بشر، و مبارزه با تروریسم خودساخته در کشورهای اسلامی منطقه - همچون عراق، افغانستان، فلسطین، سوریه، لبنان و یمن - همان «کار کثیف» را دنبال کرده و می‌کنند؛ به گونه‌ای که، فارغ از ترور و حذف نخبگان علمی و سیاسی، میلیون‌ها انسان بی‌گناه را به کام مرگ کشانده‌اند. امری که دستان به هم پیوسته ایشان را در جنایات بی سابقه رژیم اسراییل در منطقه آشکار نموده و حیثیت جمعی ایشان را از اعتبار انداخته است.

بر این مبنا، استعمال تعبیر «کار کثیف ما» از سوی آقای مرتس، فارغ از آن که بیانگر ذات دست‌نخورده و ماهیت حقیقی سیاست غربی و پرورش یافتگان مکتب ماکیاولی در مواجهه با ملل آزاده جهان است و در عین حال، حقانیت نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران را در مبارزه با مقاصد پلید و مطامع سلطه جویان گرگ صفت به اثبات می‌رساند، هم‌زمان پرده از شیطنت‌ها و دروغ پردازی‌های ایشان نیز برمی‌افکند؛ خواه این دروغ‌ها در پوشش تمسک به اسناد و کنوانسیون‌های بین المللی باشد یا در قالب اتخاذ سازکارهای تعاملی در نهادهای تخصصی جهانی. امری که بی‌تردید لازم است مسئولان نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران بدان التفات

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

وجود آرامش پیش شرط بازنگری قانون اساسی



مرتضی پورسلطانی
دانشجوی دکتری حقوق عمومی پردیس فارابی

نظیر جنگ، تنش‌های سیاسی داخلی یا فشارهای اقتصادی ناشی از تحریم‌ها روبه‌رو است، به سراغ بازنگری در قانون اساسی رفت یا حتی نهادی مؤسس چون مجلس مؤسسان تشکیل داد؟ یادداشت پیش‌رو، با تکیه بر تحلیل‌های نظری، مبانی حقوقی و بهره‌گیری از تجربه کشورهای گوناگون، می‌کوشد پاسخی به این پرسش بدهد.

۱. نظریه «ممنوعیت اصلاح قانون اساسی در شرایط اضطراری» و پشتوانه‌های آن

قانون اساسی به‌عنوان مهم‌ترین سند حقوقی و سیاسی هر کشور، جایگاه بلندی در تعیین حدود اختیارات نهادهای حاکم و تضمین حقوق و آزادی‌های شهروندان دارد. این سند بنیادین که گاه از آن با عنوان «هنجار برتر» یا «قانون مادر» یاد می‌شود، باید همواره از ثبات، دقت و اجماع عمومی برخوردار باشد؛ به‌ویژه زمانی که موضوع تغییر یا بازنگری در آن مطرح می‌شود. در این میان، یک پرسش اساسی مطرح است: آیا می‌توان در شرایطی که کشور با بحران‌های شدید خارجی،

در ادامه، این نظریه تلاش دارد با تمرکز بر ساختارهای قدرت، از بهره‌برداری سیاسی در چنین دوره‌هایی جلوگیری کند. بحران می‌تواند بهانه‌ای در اختیار صاحبان قدرت قرار دهد تا با اتکا به شرایط استثنایی، اختیارات خود را افزایش دهند یا حتی موقعیت‌شان را تثبیت کنند. ممنوع‌سازی اصلاح قانون اساسی در چنین شرایطی، مانع آن می‌شود که نهادهایی مانند ریاست‌جمهوری یا مجلس، از وضعیت بحرانی برای تحکیم جایگاه خود استفاده کنند.

صیانت از انسجام قانون اساسی

تجربه تاریخی نشان داده که بسیاری از اصلاحات انجام‌شده در دل بحران، به جای بهبود اوضاع، خود منجر به تزلزل بیشتر نظام سیاسی شده‌اند. از نگاه این نظریه، هدف اصلی در دوران بحرانی، بازگشت به وضعیت عادی است؛ نه بازنویسی بنیادهای نظام. لذا ممنوع کردن اصلاحات در این مقاطع، به معنای حمایت از قانون اساسی و جلوگیری از فروپاشی نظم حقوقی است.

۲. دشواری‌های عملی بازنگری قانون اساسی در شرایط بحران

علاوه بر مبانی نظری، بررسی تجربه‌های عملی نیز نشان می‌دهد که شروع فرآیند اصلاح یا بازنگری در قانون اساسی در دل بحران‌های شدید، چه از سوی حاکمیت و چه از طرف جریان‌های سیاسی، با چالش‌های متعدد و پیامدهای ناخواسته روبه‌روست. در چنین فضایی، ظرفیت کشور برای مدیریت بحران تضعیف شده و امکان شکل‌گیری اجماع ملی نیز دشوارتر می‌شود. برخی از

در حوزه حقوق اساسی، نظریه‌ای تحت عنوان «ممنوعیت اصلاح قانون اساسی در شرایط اضطراری» وجود دارد که بر این نکته تأکید دارد: قانون اساسی در شرایط بحران نباید قابل تغییر باشد. این نظریه ناظر به وضعیت‌هایی نظیر جنگ، وضعیت اضطراری، محاصره یا حتی دوره‌های گذار سیاسی است. بر اساس این دیدگاه، تلاش برای اصلاح قانون اساسی در چنین شرایطی، خطراتی جدی را متوجه نظام سیاسی می‌سازد. مهم‌ترین اهداف و دلایل این نظریه را می‌توان در چند محور اصلی خلاصه کرد:

پاسداری از حقوق بنیادین

نخستین دلیل آن است که اصلاحات در دوران بحران ممکن است زمینه‌ساز نقض حقوق اساسی مردم شود. در شرایطی که جامعه درگیر احساسات، ترس، فشار روانی و نیاز به تصمیم‌گیری‌های فوری است، این نگرانی وجود دارد که تصمیمات، به‌جای آنکه عقلانی و مبتنی بر منافع بلندمدت باشند، تحت تأثیر هیجانات لحظه‌ای اتخاذ شوند. در چنین فضایی، اعتماد به کارآمدی و منطق رهبران نیز ممکن است خدشه‌دار شود. به باور برخی اندیشمندان، جامعه‌ای که در شرایط اضطراری قرار گرفته، آمادگی پذیرش تصمیمات افراطی و غیرحکیمانه را پیدا می‌کند. از همین رو، ممنوعیت اصلاح قانون اساسی در این دوران، همانند سپری در برابر تصمیم‌های عجولانه عمل می‌کند.

جلوگیری از سوءاستفاده از قدرت

مهم‌ترین چالش‌ها از این قرارند:

تمرکز اولویت‌ها بر بقا و امنیت ملی

در شرایطی مانند جنگ گسترده یا تحریم‌های اقتصادی فلج‌کننده، دغدغه اصلی هر حکومتی باید حفظ انسجام ملی، تأمین امنیت و رسیدگی به معیشت مردم باشد. تمامی ظرفیت‌ها و منابع کشور در چنین زمانی باید برای مقابله با تهدیدات حیاتی و صیانت از موجودیت سرزمینی و سیاسی کشور بسیج شود. در چنین فضایی، ورود به موضوع پیچیده و زمان‌بری مانند اصلاح قانون اساسی، نه تنها اولویت‌ها را منحرف می‌کند، بلکه ممکن است به تضعیف مدیریت بحران و کاهش تمرکز بر اقدامات حیاتی منجر شود. باز کردن پرونده بازنگری قانون اساسی در زمانه‌ای که همبستگی داخلی در معرض خطر است، احتمالاً موجب تعمیق شکاف‌های اجتماعی و سیاسی خواهد شد.

اهمیت ثبات و پیش‌بینی‌پذیری در نظام حقوقی

یکی از کارکردهای قانون اساسی، ایجاد ثبات و پیش‌بینی‌پذیری در ساختار حکمرانی است. این ویژگی نه تنها باید در محتوای خود قانون، بلکه در نحوه اجرا و اصلاح آن نیز رعایت شود. در دوران بحران، نیاز به ثبات بیش از هر زمان دیگری احساس می‌شود. هر نوع تغییر در قانون اساسی، آن هم در زمانه‌ای پرتنش و آشفته، ممکن است پیام‌های متضاد به جامعه و نهادهای حکومتی ارسال کند و به جای آرام‌سازی فضا، بی‌ثباتی بیشتری ایجاد کند. اصلاح در چنین شرایطی، می‌تواند به نقض همان هدفی بینجامد

که قانون اساسی در اصل برای آن طراحی شده است: یعنی حفظ ثبات و انسجام.

اصل عقلانیت در تصمیم‌گیری‌های کلان حقوقی

تصمیمات مربوط به قانون اساسی، ماهیتاً نیازمند تأمل، مشورت و فضای عقلانی‌اند. این‌گونه تصمیم‌ها باید در شرایطی اتخاذ شوند که امکان استفاده از ابزارهای دموکراتیک مانند گفت‌وگو، بحث عمومی، و شفافیت وجود داشته باشد. اما دوران بحران، زمان مناسبی برای چنین فرایندهایی نیست. در این فضا، ابزارهای لازم برای تصمیم‌گیری منطقی و دموکراتیک از کار می‌افتند و امکان بهره‌گیری از آن‌ها وجود ندارد. به همین دلیل، منطق حقوقی حکم می‌کند که هرگونه اصلاح در قانون اساسی به بعد از پایان بحران موکول شود، یعنی زمانی که امکان گفت‌وگو و تفکر عمیق درباره مسیر آینده کشور فراهم باشد.

اختلال در مشارکت عمومی و آگاهی اجتماعی

یکی از ویژگی‌های بارز فرایند اصلاح قانون اساسی، ضرورت مشارکت آزاد، گسترده و آگاهانه مردم است. اقداماتی نظیر همه‌پرسی، تشکیل مجامع مشورتی و تبادل نظرهای عمومی، بدون وجود فضای آرام، آزاد و امن امکان‌پذیر نیست. در شرایط بحرانی، بسیاری از شهروندان، یا خود درگیر بحران هستند یا در حال مقابله با پیامدهای آن مانند آوارگی، فشار اقتصادی یا دغدغه‌های معیشتی. بدیهی است که در چنین وضعیتی، نه زمان، نه انگیزه و نه امکان مشارکت

ضدیت با منافع ملی مواجه شوند و خود به منشأ بی‌ثباتی‌های جدید بدل گردند.

۳. نمونه‌هایی از قوانین اساسی کشورها در خصوص محدودیت بازنگری در شرایط بحران

تجربه‌های حقوقی بسیاری از کشورها نشان می‌دهد که دغدغه‌های نظری و عملی درباره اصلاح‌ناپذیری قانون اساسی در شرایط بحران، صرفاً مفهومی انتزاعی نیست. شمار زیادی از قوانین اساسی، چه به‌صورت صریح و چه به‌گونه‌ای تلویحی، به ممنوعیت آغاز یا ادامه روند اصلاح در شرایط فوق‌العاده اشاره کرده‌اند. این رویکردها نشانگر درک مشترک نظام‌های حقوقی مختلف از حساسیت بالای چنین مقاطعی هستند.

به عنوان نمونه در قانون اساسی کنونی فرانسه، که ریشه در تجربه‌های تلخ این کشور از جنگ جهانی دوم دارد، در ماده ۸۹ خود به‌روشنی اعلام می‌دارد که: «هیچ‌گونه روند اصلاحی نمی‌تواند آغاز یا ادامه یابد، اگر تمامیت ارضی کشور در معرض خطر باشد». این قاعده، در اصل برای مقابله با خطر اصلاح قانون اساسی در شرایطی چون اشغال خارجی یا تهدید جدی سرزمینی طراحی شده است. حتی شورای قانون اساسی فرانسه، که ناظر بر اجرای قانون اساسی است، تأکید کرده که حتی اگر روند اصلاح، کاملاً مشورتی و شفاف باشد، در شرایط اضطراری هیچ تغییری در قانون اساسی مجاز نیست. در چنین مواقعی، اختیارات اصلاح به حالت تعلیق در می‌آید و غیرفعال می‌شود.

اسپانیا نیز رویکردی مشابه اتخاذ کرده است

فعال و عمیق در فرآیندهای اصلاحی برای مردم فراهم نخواهد بود. حتی از لحاظ فنی و اجرایی نیز، فراهم کردن امنیت و سازوکارهای لازم برای این مشارکت در مناطقی که با بحران دست‌وپنجه نرم می‌کنند، بسیار دشوار خواهد بود.

خطر موج‌سواری سیاسی و مداخله خارجی

در فضای بحران، طرح ایده بازنگری در قانون اساسی ممکن است به فرصتی برای برخی جریان‌های سیاسی یا حتی بازیگران خارجی تبدیل شود تا با سوءاستفاده از جو نارضایتی یا بی‌ثباتی، بر فضای سیاسی کشور اثرگذار شوند. مداخله خارجی‌ها، تحریک احساسات عمومی، حمایت از برخی جناح‌ها یا تشدید دوقطبی‌ها می‌تواند روند تصمیم‌گیری را از مسیر اصلی منحرف کند. در چنین فضایی، مطالبات عمومی نیز ممکن است از چارچوب‌های حقوقی و منطقی فاصله بگیرد و بیشتر به دنبال راه‌حل‌های فوری، هیجانی یا حتی غیرقانونی برود. نتیجه چنین فرایندی، محروم شدن اصلاحات از مشروعیت اجتماعی و حقوقی لازم برای بقا و تأثیرگذاری خواهد بود.

کاهش کیفیت و دوام اصلاحات نهایی

و نهایتاً، تصمیم‌گیری‌های ناشی از اضطراب و بحران، اغلب فاقد کیفیت لازم برای پایداری در بلندمدت‌اند. اصلاحاتی که در این شرایط تدوین می‌شوند، معمولاً تحت فشار، بدون مشورت کافی و با نگرش کوتاه‌مدت صورت می‌گیرند. این اصلاحات ممکن است در آینده با چالش‌هایی نظیر عدم مقبولیت، فقدان مشروعیت یا حتی

نتیجه گیری

با توجه به مبانی نظری ارائه شده در چارچوب نظریه «ممنوعیت اصلاح قانون اساسی در شرایط اضطراری»، همچنین در نظر گرفتن چالش‌های عملی متعددی که فرآیند بازنگری در قانون اساسی در زمان بحران به همراه دارد و علاوه بر آن، با استناد به تجربه‌ها و رویه‌های حقوقی کشورهای مختلف، می‌توان به یک نتیجه روشن رسید که آغاز اصلاح یا بازنگری قانون اساسی، یا تشکیل نهادهایی همچون مجلس مؤسسان، در زمانی که کشور درگیر بحران‌های شدید خارجی است، اقدامی پرمخاطره، بی‌ثمر و ناپایدار خواهد بود.

واقعیت این است که قانون اساسی باید نقش خود را به عنوان ستون انسجام ملی و نماد اراده آگاهانه ملت ایفا کند. این هدف تنها در بستری از آرامش، ثبات سیاسی، امکان گفت‌وگو و مشارکت آزاد و آگاهانه مردم دست‌یافتنی است. هر تلاشی برای تغییر در این سند بنیادین، آن هم در شرایطی که کشور با تهدیداتی جدی در ابعاد سیاسی، اقتصادی یا امنیتی مواجه است، نه تنها به حل بحران کمکی نمی‌کند، بلکه می‌تواند وضعیت را وخیم‌تر کند و حتی بنیان‌های وحدت ملی را دچار خدشه نماید.

در دوران بحران، آنچه اهمیت دارد، تمرکز کامل حاکمیت و جامعه بر عبور از چالش‌های موجود، حفاظت از ساختارهای سیاسی، و تأمین امنیت و معیشت شهروندان است. وارد کردن کشور به مسیر پیچیده و پرابهام بازنگری قانون اساسی، می‌تواند انسجام داخلی را تضعیف کرده، مسیر مدیریت بحران را منحرف ساخته، و نهایتاً

و در ماده ۱۶۹ قانون اساسی آن تصریح شده است که: «در زمان جنگ، یا هنگامی که کشور در حالت هشدار، اضطراری یا محاصره قرار دارد، هیچ روندی برای اصلاح قانون اساسی نمی‌تواند آغاز شود». به همین ترتیب، قانون اساسی جمهوری پرتغال نیز در ماده ۲۸۹ خود، ممنوعیتی مشابه را تصریح کرده است: «هیچ اقدامی که شامل بازنگری این قانون اساسی باشد، نباید در طول وضعیت محاصره یا وضعیت اضطراری انجام شود». این ممنوعیت‌ها محدود به کشورهای مذکور نیست. در همه این موارد، یک نکته مشترک وجود دارد: در زمان بحران، تصمیم‌گیری‌ها به‌ویژه در سطح بنیادین مانند تغییر قانون اساسی به‌شدت تحت‌تأثیر فضای ناپایدار و غیرعقلانی قرار می‌گیرند و لذا باید متوقف شوند.

در مجموع، این نمونه‌های تطبیقی روشن می‌سازند که قانون‌گذاران در بسیاری از کشورها با آگاهی از خطرات ناشی از اصلاح قانون اساسی در دوران بحرانی، سازوکارهایی برای محافظت از این سند بنیادین در نظر گرفته‌اند. این رویکردها نه از سر محافظه‌کاری، بلکه با هدف حفظ نظم، پیشگیری از سوءاستفاده قدرت، و صیانت از حقوق ملت در مقاطع حساس تاریخ یک کشور اتخاذ شده‌اند.

بی‌اعتمادی عمومی نسبت به نظام سیاسی را افزایش دهد.

از این رو، اگر قرار است روزی به بازنگری در قانون اساسی اندیشیده شود، این موضوع باید به زمانی موکول شود که کشور به آرامش نسبی رسیده، خطرات فوری پشت سر گذاشته شده‌اند، و شرایط برای گفت‌وگوی ملی، تأمل حقوقی و مشارکت عمومی فراهم آمده است. تنها در چنین بستری است که قانون اساسی می‌تواند بازتاب‌دهنده اراده جمعی و ثمره تصمیمی سنجیده و مشروع باشد؛ نه محصول فشارهای لحظه‌ای یا واکنشی به شرایط بحرانی.



محفل اندیشه؛



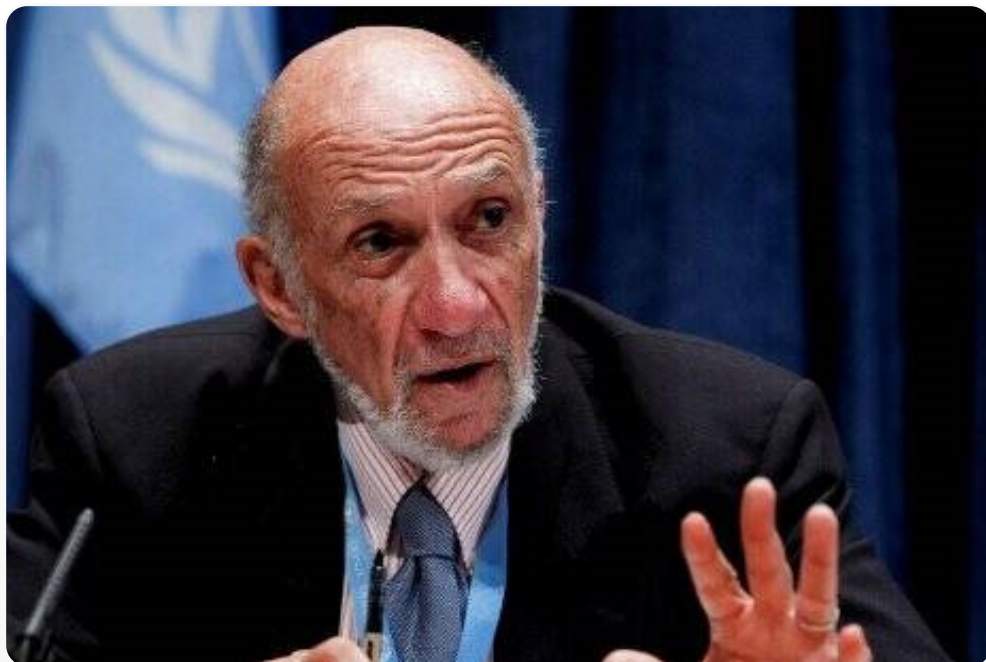
کرسی‌هایی برای نوآوری و دانش

گزارشگر سابق شورای حقوق بشر
درواکنش به تجاوز آمریکا به خاک ایران:

ساختار سیاسی ناظر بر اجرای حقوق بین الملل نیازمند تحول است



ریچارد فالک، استاد بازنشسته حقوق بین الملل دانشگاه پرینستون و گزارشگر سابق وضعیت حقوق بشر در سرزمین‌های فلسطینی تحت اشغال از سال ۱۹۶۷ (۲۰۰۸-۲۰۱۴)، در وبینار تخصصی «تجاوز اسرائیل و آمریکا به خاک ایران از منظر حقوق بین الملل» که روز ۲۸ تیرماه به کوشش پژوهشکده شورای نگهبان برگزار شد به تحلیل موشکافانه حملات اخیر اسرائیل و آمریکا به ایران از منظر حقوق بین الملل پرداخت و با اشاره به اصول حاکم بر منشور ملل متحد و قواعد عام حقوق بین الملل، اقدامات اخیر این دو کشور را نقض فاحش حاکمیت ملی و تمامیت ارضی ایران دانست.



تقریباً هیچ تردیدی وجود ندارد که از دیدگاهی عینی، حملات بی اساس به سایت‌های هسته‌ای ایران نقض حقوق بین‌الملل بوده‌اند و این نقض را نمی‌توان به‌طور به شکل قانع کننده‌ای توضیح داد یا توجیه کرد. با این حال، این اقدام در واقع انحراف بزرگی از الگوهای رفتاری بازیگران ژئوپلیتیکی یا اعضای دائم شورای امنیت محسوب نمی‌شود، چرا که آن‌ها همواره خود را مجاز دانسته‌اند که منافع استراتژیک خود را مستقل از رعایت حقوق بین‌الملل یا منشور سازمان ملل دنبال کنند. به عبارت دیگر، نظم هنجاری‌ای که پس از جنگ جهانی

دوم شکل گرفت، به‌گونه‌ای طراحی شده بود که در چنین موقعیت‌هایی ضعیف عمل کند. در غیر این صورت، هیچ توجیهی برای اعطای حق وتو به پنج کشور قدرتمند و خطرناک جهان نسبت به تمامی تصمیمات الزام‌آور سازمان ملل وجود نداشت، چرا که تنها شورای امنیت است که از نظر حقوقی صلاحیت صدور تصمیمات الزام‌آور را دارد. و اینکه این تصمیمات مشمول وتو باشند به این معناست که این پنج کشور و متحدان نزدیکشان می‌توانند به‌طور قانونی خود را از تعهدات عادی برای پایبندی به اصول اساسی حقوق بین‌الملل مستثنا کنند؛ حال آنکه

ممنوعیت توسل به زور، اصلی‌ترین اصل منشور سازمان ملل متحد است. و تنها راهی که می‌توان آن اصل را محدود کرد، وجود حق دفاع مشروع است و در شرایط مربوط به حملات ماه گذشته به ایران، تنها ایران است که به‌دلیل حملات مسلحانه قبلی ایالات متحده و اسرائیل، از حق دفاع مشروع برخوردار است. ایران نیز، به‌طور سنجیده، از این حق در پاسخ به استفاده از زور تهاجمی از سوی اسرائیل و ایالات متحده استفاده کرده است؛ حملاتی که منجر به فوت و خسارات گسترده در سایت‌های هسته‌ای هدف قرار گرفته‌شده و نیز در میان جمعیت غیرنظامی شده‌اند.

بر اساس گزارش‌ها، حدود ۱۰۰۰ نفر در نتیجه این حملات جان باختند. اهدافی که مورد حمله قرار گرفتند، حتی مهم‌تر و حساس‌تر از سایت‌های هسته‌ای بودند. بنابراین درک این نکته حائز اهمیت است که نظم هنجاری موجود، که شامل حقوق بین‌الملل و سازمان ملل متحد می‌شود، در اصل نظامی بوده که در خدمت منافع فاتحان جنگ جهانی دوم طراحی و برقرار شده است. این نظام، نه برای جلوگیری از جنگ و نه برای تأمین امنیت جهانی با احترام بی‌قید و شرط به حقوق بین‌الملل طراحی شده بود. همان‌طور که اشاره کردم، این موضوع در ساختار پایه‌ای نظم جهانی پس از سال ۱۹۴۵

تعیین شده است، نظمی که ما همچنان در چارچوب آن زندگی می‌کنیم. این مسئله رفتارهای کنونی را توجیه نمی‌کند، اما توضیح می‌دهد که چرا هیچ نظام نظارتی مؤثری شکل نگرفته که بتواند محدودیت‌های قابل اعتمادی بر استفاده از زور و سایر نقض‌های عمده حقوق بین‌الملل اعمال کند.

آنچه در عملکرد اعضای دائم شورای امنیت مشاهده می‌کنیم، رویکردی کاملاً فرصت‌طلبانه نسبت به حقوق بین‌الملل است. این کشورها از حقوق بین‌الملل به‌عنوان ابزاری برای پیشبرد سیاست‌های خود علیه دشمنان‌شان استفاده می‌کنند؛ برای مثال، در مورد حمله روسیه به اوکراین در سال ۲۰۲۲، از حقوق بین‌الملل برای محکوم‌سازی استفاده شد، در حالی که در قبال نقض‌های بسیار جدی‌تر اصول بنیادین حقوق بین‌الملل در رابطه با غزه از ۷ اکتبر به بعد، همین حقوق کاملاً نادیده گرفته شده است. اکنون به‌طور گسترده‌ای مورد پذیرش قرار گرفته است که آنچه در غزه رخ داده، بدترین نمونه نسل‌کشی آشکار در زمان واقعی است که با پوشش دفاع مشروع، از دید عاملان آن پنهان نگاه داشته شده است. افکار عمومی جوامع مدنی، حتی در کشورهای غربی حامی اسرائیل، به‌طور فزاینده‌ای به این نتیجه رسیده‌اند که آنچه در غزه در قالب خشونت‌های

هسته‌ای آن است؛ زیرساخت‌هایی که همچنان به تولید و توسعه کلاهک‌های هسته‌ای ادامه می‌دهند و تخمین زده می‌شود که در حال حاضر بین ۳۰۰ تا ۴۰۰ کلاهک در اختیار داشته باشند.

با این حال، دیپلماسی غرب — که تاکنون با چالش مؤثری مواجه نشده، حتی به‌طرز شگفت‌انگیزی از سوی خود ایران — مسیر دیگری را در پیش گرفته است: نادیده گرفتن توانایی‌های هسته‌ای اسرائیل و بازنمایی کاملاً گمراه‌کننده مسئله عدم اشاعه، به‌گونه‌ای که گویی ایران، و نه اسرائیل، ناقض اصلی این تلاش جهانی برای مهار گسترش سلاح‌های هسته‌ای است.

ما باید به ۲۰ سال قبل بازگردیم و درک کنیم که هم ایران و هم عربستان سعودی از ایجاد خاورمیانه‌ای عاری از سلاح هسته‌ای حمایت می‌کردند، و این اسرائیل بود که با پشتیبانی ایالات متحده با تشکیل چنین منطقه‌ای مخالفت کرد. بنابراین، یک پیش‌زمینه تاریخی وجود دارد که همان‌قدر که در گذشته اهمیت داشت، امروز نیز حائز اهمیت است و موضوع حملات به سایت‌های هسته‌ای ایران را در چارچوبی بسیار پیچیده‌تر قرار می‌دهد. افزون بر این، باید در نظر داشت که اسرائیل تنها رژیم در منطقه است که به‌طور مستمر و مکرر از زور در ورای مرزهای

طولانی‌مدت، نظام‌مند و عامدانه علیه جمعیت غیرنظامی فلسطینی رخ داده، نمونه‌ای مشخص و بدیهی از نسل‌کشی است اما باز هم، همانند حمله به ایران، این اقدامات به‌راحتی نادیده گرفته می‌شوند و با استناد ضعیف و غیرقابل قبول به حق دفاع مشروع توجیه می‌گردند. در مورد ایران، توجیه متفاوتی ارائه می‌شود که به تهدید ادعایی سلاح هسته‌ای ایرانی و ناتوانی ایران در کاهش سطح غنی‌سازی اورانیوم با درجه تسلیحاتی مربوط می‌شود. با این حال، تمام این ادعاها محل مناقشه هستند و از سوی نهادهای اطلاعاتی مختلفی که رفتار ایران را در چارچوب معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (NPT) — که ایران عضوی از آن است — ارزیابی می‌کنند، مورد تردید قرار گرفته‌اند. کل این موضوع تا حد زیادی تحریف شده است، چرا که اسرائیل، به‌عنوان طرف آغازگر حمله، یک رژیم دارای سلاح هسته‌ای به‌صورت علنی و مورد پذیرش است؛ رژیمی که این توانایی را با همدستی کشورهای عضو ناتو، از جمله ایالات متحده، فرانسه، آلمان و بریتانیا به دست آورده است. بنابراین، مسئله واقعی باید این باشد که چگونه می‌توان خاورمیانه‌ای عاری از سلاح هسته‌ای را حفظ کرد؟ امری که مستلزم برچیدن زرادخانه هسته‌ای اسرائیل و زیرساخت آزمایشگاه‌های

بین‌المللی استفاده کرده است؛ آن هم به شیوه‌هایی که آشکارا ناقض حقوق بین‌الملل هستند. این ایران نیست که مرتکب چنین رفتاری شده باشد. آنچه به ایران نسبت داده می‌شود، کمک به گروه‌هایی است که از مبارزه مردم فلسطین حمایت می‌کنند؛ اما این مسئله به‌سختی قابل طبقه‌بندی به‌عنوان رفتاری غیرقانونی است. مردم فلسطین دارای حق مقاومت هستند، و این حق خود در حقوق بین‌الملل به رسمیت شناخته شده است و شامل حق مقاومت مسلحانه نیز می‌شود.



و بنابراین، با کمک به تحقق‌رهایی از اشغال سرکوبگرانه — اشغالی که دیوان

بین‌المللی دادگستری آن را وضعیتی اعلام کرده که اسرائیل از سال ۱۹۶۷ به‌گونه‌ای اساسی مفاد آن را نقض کرده است — اسرائیل طبق حقوق بین‌الملل موظف است حضور تحمیلی خود را در سرزمین‌های اشغالی فلسطین، نه تنها در غزه، بلکه در کرانه باختری و قدس شرقی نیز پایان دهد و به‌طور کامل عقب‌نشینی کند. با این حال، اسرائیل همواره به نقض حقوق بین‌الملل ادامه داده، حتی هنگامی که این اصول به‌صراحت از سوی دیوان بین‌المللی دادگستری و دیوان بین‌المللی کیفری مورد تأیید قرار گرفته‌اند. فرانچسکا آلبانیز، گزارشگر ویژه سازمان ملل برای فلسطین اشغالی، به‌طور غیرقانونی در ظرفیت شخصی خود تحریم شده است، تنها به این دلیل که حقیقت رفتار اسرائیل در غزه و دیگر نقاط سرزمین اشغالی را بیان کرده و آن را نسل‌کشی توصیف کرده است.

بنابراین، ما با الگویی مواجهیم که در آن مرتکبان نقض‌های حقوق بین‌الملل، همان کسانی هستند که دولت‌هایی را که قربانی این نقض‌ها هستند، متهم می‌کنند. اجازه دهید یک نکته پایانی در این زمینه مطرح کنم و اشاره کنم که دیوان بین‌المللی دادگستری، عالی‌ترین مرجع قضایی سازمان ملل، احکام بسیار حرفه‌ای صادر کرده است که در آن‌ها اسرائیل به ارتکاب نسل‌کشی محتمل

پس بار دیگر باید گفت که سازمان ملل و چارچوب حقوق بین‌الملل از سوی فاتحان جنگ جهانی دوم طراحی شده‌اند تا اولویت را به ژئوپلیتیک (جغراسیاست) بدهند و حقوق بین‌الملل را در این فرایند تابع کنند؛ امری بسیار خطرناک که خسارات فراوانی به مردم جهان وارد کرده است، از جمله به جمعیت‌های غیرنظامی فلسطین اشغالی و اخیراً ایران.

متهم شده، مانع رسیدن کمک‌های بشردوستانه به مردم غزه شده و دیگر حق ندارد به‌عنوان قدرت اشغالگر در این سرزمین‌های فلسطینی باقی بماند. اما نکته قابل توجه در این چارچوب کلی این است که دیوان بین‌المللی دادگستری و دادگاه بین‌المللی کیفری توانایی اعلام حقوق بین‌الملل به‌صورت آمرانه و تحکم‌آمیز را دارند، اما قدرت یا صلاحیت اجرای احکام صادره را ندارند، و تنها شورای امنیت است که چنین قدرت اجرایی را در اختیار دارد.





در چهل و یکمین پیش نشست همایش بین‌المللی «حقوق ملت و آزادی‌های مشروع در منظومه فکری حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (مدظله‌العالی)» بررسی شد

دکتر کدخدایی: آزادی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر کرامت انسان و مسئولیت در برابر خداوند است باید آزادی را با مبانی دینی و گفت‌وگوهای علمی بهتر تبیین و نهادینه کنیم

اسلام به عنوان یکی از ادیان بزرگ الهی، نگاه بلند و منظومه‌مند به موضوع آزادی دارد و در کنار ارائه مبانی نظری مستحکم، مرزهای جدیدی را در تحلیل‌های تاریخی، اجتماعی و سیاسی در این زمینه گشوده است.

دکتر کدخدایی در آغاز سخنان خود با سلام و تشکر از ریزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در رم و سایر دست‌اندرکاران نشست، اظهار داشت که آزادی یکی از مفاهیم کهن و بنیادین در اندیشه‌های انسانی و اجتماعی است که همواره محل بحث و تفسیرهای گوناگون بوده است. به گفته او،

و ۳ ماده ۲۹، خاطرنشان کرد که حتی در این اسناد نیز آزادی‌ها مقید به حدود و الزاماتی هستند که ناظر به اخلاق، نظم عمومی، سلامت همگانی و اصول بنیادین سازمان ملل است.

وی سپس به جایگاه برجسته آزادی در نظام جمهوری اسلامی ایران پرداخت و یادآور شد که انقلاب اسلامی ایران با شعار «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی» به پیروزی رسید و نظام سیاسی برآمده از آن نیز در قانون اساسی خود، آزادی را به عنوان یکی از اهداف عالیه و ابزار تحقق عدالت و رشد معنوی جامعه تبیین کرده است.

دکتر کدخدایی با اشاره به اصول مختلف قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، به‌ویژه اصل دوم، سوم، نهم و بند «ج» اصل دوم، اظهار داشت: قانون اساسی ایران، انسان را برخوردار از کرامت ذاتی می‌داند و بر آزادی در بیان، اندیشه و انتخاب تأکید می‌کند؛ البته با رعایت موازین شرعی، اخلاقی، امنیت عمومی، استقلال ملی و حقوق دیگران.

او در ادامه گفت: در مقدمه قانون اساسی، آزادی در کنار کرامت و رشد و تکامل انسان مورد تأکید قرار گرفته و در اصل نهم قانون اساسی نیز به روشنی آمده است که هیچ فرد، گروه یا نهادی حق ندارد به نام آزادی به استقلال کشور لطمه بزند، و همچنین هیچ مقامی نمی‌تواند به بهانه

استاد دانشگاه تهران تأکید کرد که در اندیشه اسلامی، آزادی یکی از حقوق طبیعی و فطری انسان است که از سوی خداوند به انسان اعطا شده است. این آزادی نه تنها نباید از سوی حکومت‌ها، قدرت‌ها یا سایر انسان‌ها سلب شود، بلکه حتی وابستگی‌های درونی انسان همچون شهوات و غرایز نیز نباید آن را محدود کند.

او افزود: آزادی در نگاه اسلام صرفاً یک حق اجتماعی یا سیاسی نیست، بلکه ریشه در کرامت ذاتی انسان دارد. اسلام برخلاف برخی مکاتب، آزادی را فقط در مناسبات اجتماعی محدود نمی‌کند بلکه آن را در پیوند با ابعاد معنوی و کمال انسانی می‌فهمد و آزادی را نه فقط یک حق بلکه یک ابزار برای رشد و تعالی انسان تلقی می‌کند.

رییس پژوهشکده شورای نگهبان تصریح کرد که در چارچوب اسلام، آزادی از مسئولیت جدا نیست و انسان باید در پرتو آن در مسیر تکامل فردی و اجتماعی حرکت کند. از همین رو، اگر آزادی بدون در نظر گرفتن حدود اخلاقی و مسئولیت انسانی اعمال شود، ممکن است به انحراف کشیده شود و حتی ارزش‌های والای انسانی را تضعیف کند.

عضو شورای نگهبان سپس با اشاره به اسناد بین‌المللی حقوق بشر، از جمله اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸، بند ۲

حفظ استقلال، آزادی‌های مشروع را با وضع قوانین و مقررات محدود کند.

رییس پژوهشکده شورای نگهبان این اصل را جلوه‌ای از نگاه متعالی جمهوری اسلامی ایران به آزادی دانست که از یک‌سو برخاسته از موازین اسلامی و از سوی دیگر ناظر به رشد جامعه اسلامی و انسانی است.

دکتر کدخدایی در پایان و جمع‌بندی این نشست علمی نیز با ابراز خرسندی از سطح مباحث مطرح‌شده، بر تداوم این‌گونه جلسات علمی تأکید کرد و یادآور شد که تبیین مفاهیم بنیادینی چون آزادی نیازمند گفت‌وگوهای علمی با محورهای دقیق‌تر و مشارکت گسترده‌تر اندیشمندان داخلی و خارجی است.

رییس همایش بین‌المللی حقوق ملت و آزادی‌های مشروع در منظومه فکری آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، ضمن تشکر از رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در رم، مترجمان، دانشگاه سن دومینکو و مسئولان برگزارکننده نشست، تأکید کرد که پیام دانشگاه سن دومینکو مبنی بر آمادگی برای همکاری‌های آتی، نشانه‌ای امیدوارکننده برای تداوم این تعاملات علمی است.

دکتر کدخدایی با اشاره به تجربه‌های مشابه در سال‌های گذشته خاطرنشان کرد: چند سال پیش با همراهی گروهی از ستاد حقوق بشر جمهوری اسلامی

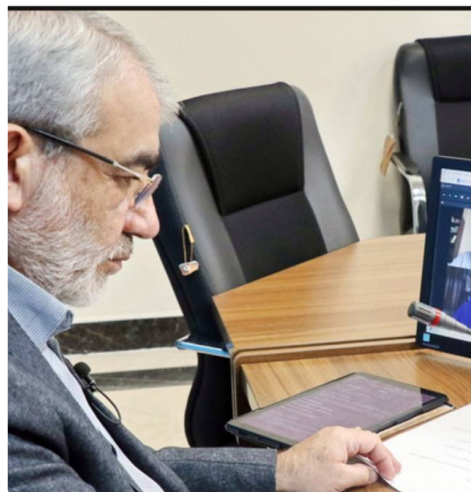
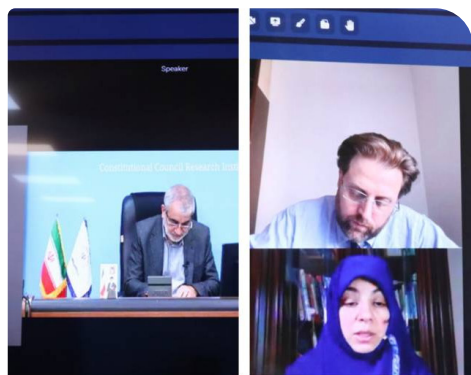
ایران در یک سمینار در شهر سیراکوزا در ایتالیا شرکت کردیم که طی آن چند روز بحث‌های علمی بسیار مفیدی با اساتید ایتالیایی با گرایش‌های مختلف حقوقی داشتیم.

در آن نشست هم ما مطالب خوبی را آموختیم و هم توانستیم نکاتی درباره نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران ارائه کنیم که مورد استقبال قرار گرفت.

وی در ادامه ابراز امیدواری کرد که جلسات مشابه با همکاری دانشگاه‌های ایتالیایی و ایرانی ادامه یابد و پیشنهاد کرد که نشست‌های آینده با محورهای تخصصی‌تر و جزئی‌تر برگزار شود. او گفت: امروز یک بحث کلان در مورد آزادی و مبانی نظری آن داشتیم که بسیار مفید و پربار بود. اما اگر محورهای جزئی‌تری تعریف کنیم، با توجه به فرصت محدود، می‌توانیم به نتایج دقیق‌تری برسیم.

عضو شورای نگهبان در بخش دیگری از سخنان خود با اشاره به دیدگاه‌های منتقدانه برخی اساتید ایتالیایی نسبت به وضعیت آزادی در نظام غربی افزود: «این نکته مهمی است که حتی اساتید غربی نیز نسبت به وضعیت آزادی در نظام‌های لیبرال انتقاد دارند. آزادی، همان‌طور که در ابتدای سخنانم هم عرض کردم، مسئله‌ای ریشه‌دار است که از آغاز خلقت بشر مطرح بوده است. زمانی که خداوند انسان را خلق کرد و فرشتگان از احتمال خونریزی

دکتر کدخدایی در پایان با ابراز تشکر مجدد از همه اساتید ایرانی و ایتالیایی شرکت کننده در این نشست، از دکتر امامی و همکاران شان در رایزنی فرهنگی، و نیز از پژوهشکده شورای نگهبان بابت برقراری این ارتباط علمی قدردانی کرد و گفت: ما آمادگی داریم در فرصت های آینده جلسات بیشتری با موضوعات دقیق تر برگزار کنیم که هم برای ما آموزنده خواهد بود و هم مسیر گفت و گوی علمی را توسعه خواهد داد.



او سخن گفتند، خداوند در پاسخ فرمود: من چیزی می دانم که شما نمی دانید. وی این اشاره قرآنی را گواهی بر سابقه دار بودن مسئله آزادی در چارچوب الهی دانست و افزود: ما باید بتوانیم با استفاده از مبانی دینی در اسلام و سایر ادیان، از جمله مسیحیت، که عزیزان ایتالیایی نیز به آن اشاره داشتند، این مفهوم را بهتر تبیین کنیم؛ هم در حوزه نظری و هم در سطح اجرایی.

دکتر کدخدایی از اشارات دقیق دکتر روبرتو کاریا به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز قدردانی کرد و گفت: تسلط ایشان به متن قانون اساسی و اشاره به نکاتی که ما بیان نکرده بودیم، بسیار ارزشمند بود و نشان دهنده لزوم تداوم این گونه نشست هاست. البته تبیین دقیق و موفق این مباحث، نیازمند توجه و ممارست بیشتر است.

او در ادامه با اشاره به تجربه قانون گذاری در جمهوری اسلامی ایران اظهار داشت: از زمان تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، حرکت در جهت نهادینه سازی آزادی بر پایه ارزش های اسلامی آغاز شده و تاکنون تجارب مفیدی در این مسیر حاصل شده است. البته نواقصی هم وجود دارد که با همت اندیشمندان، چه در داخل کشور و چه در عرصه بین الملل، می توان آن ها را رفع کرد.



در چهل و یکمین پیش نشست تخصصی همایش بین المللی حقوق ملت و آزادی های مشروع در منظومه فکری آیت الله خامنه ای (مدظله العالی)، دکتر دون روبرتو کاریا، استاد اخلاق اجتماعی در دانشکده الهیات ساردینیا بیان کرد:

آزادی موهبتی الهی است که در غرب به فردگرایی افراطی تبدیل شده، اما در ایران بر اساس مسئولیت در برابر خدا تعریف می شود

دکتر کاریا در آغاز سخنان خود با تشکر از برگزار کنندگان این نشست، گفت: «از شنیدن مطالب مطرح شده در این جلسه لذت بردم و به ویژه بر برخی عناصر الهیاتی مشترک میان اسلام شیعی ایرانی از قرن شانزدهم تا امروز و سنت مسیحیت کاتولیک تأکید میکنم.»

وی افزود: «اصلی مانند منشأ الهی حیات، نقش وحی در روشنگری عقل طبیعی برای درک قانون الهی، مفهوم مهدویت در اسلام و مسیحیت، شفاعت ائمه و اولیای دین، و نیز مفهوم آزادی درونی و بیرونی، از جمله این اشتراکات هستند.»

استاد دانشگاه با مقایسه قانون اساسی ایران و غرب خاطرنشان کرد: «در قانون اساسی ایران، به‌ویژه در اصل ۲، بر ایمان به اصول الهی، کرامت انسانی و مبارزه با فساد تأکید شده است. این در حالی است که در قوانین غربی، آزادی دینی بدون توجه به تکلیف جستجوی حقیقت تعریف می‌شود.»

وی با اشاره به اصل ۱۲ و ۱۳ قانون اساسی ایران گفت: «نگاه قانون اساسی ایران به ادیان دیگر، صرفاً یک تسامح نیست، بلکه احترام به هویت آنهاست، البته در چارچوبی که نظام اسلامی تعیین کرده است. این رویکرد، برخلاف غرب که فردگرایی افراطی به بتواره شدن خویشتن انجامیده، تعادل مناسبی بین آزادی و مسئولیت ایجاد میکند.»

نتیجه‌گیری: لزوم بازگشت به مبانی الهیاتیدکتر کاریا در پایان با استناد به آموزه‌های کلیسای کاتولیک و تشیع تأکید کرد: «هر نظام حقوقی باید بر اساس توانایی انسان در شناخت خدا از طریق وحی و عقل طبیعی بنا شود. آزادی واقعی، نه در نادیده گرفتن حقیقت، بلکه در پذیرش مسئولیت در برابر خدا و جامعه محقق می‌شود.»

وی با تشکر از حضار، ابراز امیدواری کرد که گفت‌وگوهای بیشتری بین اندیشمندان اسلامی و مسیحی برای تبیین مشترکات فکری صورت گیرد.

آزادی به مثابه موهبت و مسئولیت: این استاد اخلاق اجتماعی با اشاره به سخنان دکتر غفاری درباره آزادی به عنوان «موهبت الهی»، توضیح داد: «در غرب، برای تعریف این موهبت از مفهوم Munus استفاده می‌شود که همزمان هم یک هدیه است و هم یک تکلیف و مسئولیت. متأسفانه در غرب، برخلاف ایران که در پنجاه سال گذشته مسیر خود را بر اساس اصول الهیاتی پیش برده، بنیان‌های فرهنگی و مسیحی حقوق و قانون‌گذاری تضعیف شده است.»

انحراف فلسفی غرب و تأثیر آن بر قانونگذاری

دکتر کاریا با اشاره به تحولات فلسفی غرب از قرن شانزدهم میلادی گفت: «در حالی که در ایران، تشیع به عنوان یک نظام فکری قوی شکل گرفت، در غرب، انحراف به سمت عرفان‌گرایی افراطی و جادو، و سپس واکنش‌های فلسفی ضد الهیاتی، باعث شد تا پایه‌های قانونگذاری از وحی و قانون الهی فاصله بگیرد.»

وی ادامه داد: «نتیجه این شد که امروز در غرب، اقتدار به جای حقیقت مبنای قانونگذاری قرار گرفته است. این رویکرد که *Autoritas non veritas facit legem* (اقتدار، نه حقیقت، قانون را می‌سازد) نام دارد، باعث شده تا حقوق بشر و آزادی‌های فردی، بدون توجه به مسئولیت‌های الهی و اخلاقی تعریف شود.»

تفاوت بنیادین قانون اساسی ایران و غرب‌این



در چهل و یکمین پیش نشست همایش بین المللی «حقوق ملت و آزادی های مشروع در منظومه فکری حضرت آیت الله العظمی خامنه ای (مدظله العالی)» مطرح شد:

دکتر سید مجید امامی: برای معرفی ظرفیت های قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در حوزه آزادی باید به نهادهای سازی بومی روی آورد

دکتر امامی با اشاره به تجربه های موفق گذشته در همکاری با اندیشمندان ایتالیایی، افزود: «همایش آزادی و حقوق ملت در ایران، فرصتی استثنایی برای گشودن مسیر تعامل میان اندیشمندان مستقل اروپایی و جهان فکری جمهوری اسلامی است؛ چراکه جمهوری اسلامی، مفاهیم بنیادینی چون آزادی را با رویکردی متمایز از مکاتب مسلط غربی پی ریزی کرده و بر اساس آن قانون اساسی خود را تدوین نموده است.»

اندیشمندان لیبرال در دو مفهوم عقلانیت و آزادی خلاصه می شود. اما در جمهوری اسلامی ایران، فصل سوم قانون اساسی که به حقوق ملت اختصاص دارد، بخش

وی با بیان اینکه آزادی از مهم ترین مؤلفه های مقایسه پذیر در میان نظام های سیاسی و حقوقی جهان است، تأکید کرد: «جان مایه نظم سیاسی مدرن از دید

آزادی در آن کشورهاست. در غرب، سطح خرد آزادی‌ها گسترده‌تر نهادینه شده، در حالی که سطح کلان آن مورد نقد جدی حتی از سوی اندیشمندان خودشان قرار دارد. این امر موجب شده در مقایسه سطحی، تفاوت‌ها بیشتر احساس شود.»

رایزن فرهنگی جمهوری اسلامی ایران رم در جمع‌بندی سخنان خود تأکید کرد: «نمایندگی‌های فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مأموریتشان بلندگویی یک‌طرفه نیست؛ بلکه باید تسهیل‌گر گفت‌وگو و هم‌شناسی میان نظام فکری ایران و سایر جهان‌های فکری باشند. همان چیزی که قرآن از آن با عنوان تعارف یاد می‌کند.»

امامی در پایان با تشکر از برگزارکنندگان همایش، از پژوهشکده شورای نگهبان و سایر نهادهای همکار خواست که در شناسایی و تحقق ظرفیت‌های قانون اساسی در حوزه حقوق ملت و آزادی‌های مشروع، فراتر از مناقشات سیاسی و خوش‌خیالی‌ها عمل کنند و افزود: «امیدوارم این همایش، که با اهتمام نهادهای مورد اعتماد و کارآمد برگزار شده، به گامی مؤثر برای ارتقای درک جهانی از ظرفیت‌های حقوقی جمهوری اسلامی ایران در حوزه آزادی تبدیل شود.»

متمرکزی از اصول مرتبط با آزادی است؛ به‌طوری که ۷ اصل از مجموع ۴۳ اصل این فصل به آزادی‌های سیاسی، اجتماعی و مدنی اختصاص دارد.»

رایزن فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در رم با اشاره به اینکه نهادینه‌سازی اصول و مبانی حقوقی نیازمند زمان و پایه‌های بومی است، تصریح کرد: «ما پس از پیروزی انقلاب اسلامی، نه‌تنها نظام پادشاهی و ساختار استبداد را در ایران برچیدیم، بلکه تلاش کردیم نظامی نوین بر پایه استقلال و آزادی بنیان نهیم. این مسیر زمان‌بر است، و تقلید از دیگر کشورها نمی‌تواند ما را به هدف برساند.»

امامی با تأکید بر ظرفیت‌های بالفعل‌نشده قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در تأمین آزادی‌های شهروندی گفت: «نمی‌توان انکار کرد که برخی از اصول قانون اساسی هنوز به صورت کامل تحقق نیافته‌اند. در حوزه‌هایی مانند آزادی بیان، آزادی رسانه و توسعه نقد منصفانه، باید گام‌های بلندتری برداریم و ضعف‌ها را بشناسیم. اما تفاوت‌های موجود با گذشته، و حتی با برخی نظام‌های غربی، نشان از پیشرفت دارد.»

وی در ادامه اظهار داشت: «ممکن است برخی معتقد باشند احساس آزادی در ایران کمتر از کشورهای غربی است، اما این مسئله به‌واسطه میزان نهادینه شدن



درسلسله جلسات شرح فقهی قانون اساسی توسط آیت الله کعبی عضو مجلس خبرگان
رهبری بیان شد:

آیت الله کعبی: عملکرد نماینده بر خلاف مفاد قسم نامه، مصونیت او را نقض می کند

اشاره: جلسه شرح فقهی قانون اساسی با حضور جمعی از پژوهشگران، در پژوهشکده شورای نگهبان برگزار گردید. در این جلسه حضرت آیت الله کعبی به تحلیل ابعاد متعدد اصل ۶۷ قانون اساسی پرداخته و جوانب مختلف این اصل را مورد بررسی قرار دادند. مشروح مطالب این جلسه در ادامه تقدیم می گردد.

شرعی سوگند نمایندگی» اشاره نمود. حضرت آیت الله کعبی در رابطه با سوگند نمایندگان مجلس بیان کرد: این سوگند هم از نظر فقهی ارزش دارد که بحث حنث قسم است. هم از نظر حقوقی ارزش

از جمله محورهایی که در این جلسه مورد تأکید معظم له واقع گردید می توان به مواردی همچون «مفهوم شناسی کلیدواژه های به کار گرفته شده در اصل ۶۷ قانون اساسی» و «آثار و جنبه های

نکات گذشته اضافه کرد: مبانی جمهوری اسلامی عبارت‌اند از: اسلام، قانون اساسی، ولایت فقیه، وحدت و تمامیت ارضی ایران و همچنین اینکه این اصل بیان می‌کند با تکیه بر شرف انسانی، اشاره به ضمانت اجرای اخلاقی آن است؛ اما آیا این تعهد ضمانت اجرای فقهی نیز دارد؟ به نظر می‌رسد به دلیل اینکه از واژه تعهد استفاده کرده است این مسئله دارای ضمانت اجرای فقهی و حقوقی است.

وی در مقام تبیین بخش دوم محتوای قسم‌نامه تأکید کرد: شأن نمایندگی در این بیان، یک ودیعه است. امانت یعنی امر عمومی مانند اسرار نظامی و قدرت. همچنین در این متن بر عنوان امین عادل تأکید شده است. هر دو شاخصه باید استمرار داشته باشد. استقلال و اعتلای کشور همان تفصیل حریم اسلام و دستاوردهای انقلاب اسلامی است. حفظ حقوق ملت، اعم از حقوق عمومی و خصوصی است.

آیت‌الله کعبی در ادامه تصریح کرد: اگر نماینده به مفاد قسم‌نامه پایبند نبوده یا بر اساس ذیل محتوای ذکرشده در قسم‌نامه، در اظهارنظر خود به استقلال کشور و آزادی مردم توجه نکند، دیگر مصونیت نخواهد داشت. همچنین قسم‌نامه نباید به صورت اخباری بیان شود؛ بلکه باید انشاء شود. این قسم‌نامه تعیین خط‌مشی فقهی، اخلاقی و قانونی نمایندگی است؛ و ما باید بار فقهی و حقوقی سوگند را علاوه بر بار اخلاقی آن برجسته کنیم.

عضو هیئت‌رئیس مجلس خبرگان رهبری در مقام تبیین کلیدواژه عدالت در مناصب حکمرانی بیان کرد: عدالت در مناصب غیر از عدالت در احکام است. در عدالت در احکام، اصل بر عدالت است و حسن ظاهر هم کفایت می‌کند؛ اما نسبت به عدالت در



دارد که بحث صلاحیت نمایندگان است؛ و هم دارای ارزش اخلاقی است که نفی قدرت‌های درونی نمایندگان است.

عضو هیئت‌رئیس مجلس خبرگان رهبری در رابطه با تعبیر مختلفی که در محتوای سوگند نمایندگان بیان شده است، افزود: مقصود از حریم اسلام، محافظت بر عملکرد فردی و نمایندگی است. اسلام یک حریم اعتقادی دارد و یک حریم فقهی و یک حریم اخلاقی، این‌ها باید مورد توجه باشد. همچنین مقصود از دستاوردها، اعم از دستاوردهای مادی و معنوی است.





مناصب حکمرانی، فرد اگر عادل نباشد حرام است که پستی را تحویل بگیرد؛ و عدالت او باید توسط مقامات احراز شود.

نائب رئیس جامعه مدرسین حوزه علمیه قم در رابطه با تراجم مصادیق عدالت، استقلال و آزادی و ...، بیان کرد: در این تراجم، باید به مسئله اهمّ و مهمّ توجه کرد؛ چون متعلق ولایت، حفظ مصالح عمومی و درع مفاسد عمومی است. یکی از ملاک‌های این مسئله سیاست‌های کلی نظام است که توسط رهبری ابلاغ می‌شود و باید مورد توجه باشد.

وی در موضوع یاد کردن سوگند در برابر قرآن تبیین کرد: سوگند یاد کردن در برابر قرآن موضوعیتی در قسم شرعی ندارد؛ چراکه از منظر شریعت، سوگندی که به نام خدا باشد معتبر است؛ اما در برابر قرآن سوگند یاد کردن بار سوگند را شدیدتر می‌کند. همین‌که انسان خود را در محضر خداوند تبارک و تعالی می‌بیند، بار سوگند یاد شده شدیدتر می‌شود. این نکته‌ای است که نباید از آن غفلت شود.

آیت‌الله کعبی در رابطه با آثار نقض قسم توسط نماینده اضافه کرد: حنث قسم و مفاد قسم‌نامه توسط نماینده مجلس، دارای بار شرعی است؛ و به نظر می‌رسد «حنث» در اینجا موجب انعزال نماینده از سمت خود می‌باشد؛ همچنین نسبت به دلیل این مسئله، پشتوانه فقهی این بیان را باید در عملکرد نماینده برخلاف موازین شریعت اسلامی جست‌وجو نمود.



در چهل و یکمین پیش نشست همایش بین المللی «حقوق ملت و آزادی های مشروع در منظومه فکری حضرت آیت الله العظمی خامنه ای (مدظله العالی)» مطرح شد:

دکتر غفاری: آزادی مسئولانه جوهر هویت بخش به مفهوم آزادی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است

کرد: «آزادی فرد یا افرادی از قید فرد یا افراد دیگر برای انجام دادن کار یا رفتاری خواسته شده»، افزود: «آزادی در وجوه فلسفی به معنای اختیار در برابر جبر، در وجه سیاسی به معنای حقوق مدنی، اجتماعی و سیاسی در برابر قدرت حاکم، و در وجه حقوقی به عنوان یکی از حقوق اساسی افراد شناخته می شود.»

وی با تأکید بر اینکه در هیچ نظام حقوقی

غفاری با اشاره به ریشه های زبانی واژه آزادی در زبان های فارسی، لاتین و انگلیسی، و نیز تنوع برداشت ها در مکاتب مختلف، تأکید کرد که آزادی یک مفهوم واحد نیست، بلکه ساختاری سه مولفه ای دارد: اینکه چه کسی آزاد است، از چه چیزی آزاد می شود، و برای چه هدفی آزادی دارد.

غفاری با بیان اینکه بر اساس این سه مولفه، می توان آزادی را چنین تعریف

تمرکز ثروت و بازبایی هویت اصیل انسانی، به‌ویژه در حوزه زنان.»

دانشیار دانشگاه علامه طباطبائی همچنین با اشاره به مفاهیم «آزادی‌های منفی» و «آزادی‌های مثبت» در ادبیات حقوق عمومی افزود: «آزادی منفی شامل آزادی‌هایی مانند آزادی عقیده، بیان و تشکل سیاسی است که در چهارچوب قانون، بدون دخالت دیگران اعمال می‌شود. آزادی مثبت یا ایجابی نیز مستلزم دخالت دولت در تحقق حقوقی نظیر آموزش، تأمین اجتماعی، انتخاب شغل و بهداشت است.»

وی در جمع‌بندی سخنان خود گفت: «آزادی مسئولانه حلقه وصل این مفاهیم پراکنده در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است. همان‌گونه که در اصل دوم قانون اساسی نیز به کرامت و آزادی همراه با مسئولیت در برابر خداوند اشاره شده، این اصل بنیادین به‌روشنی نشان می‌دهد که آزادی بدون پذیرش مسئولیت قابل تحقق نیست. حق و تکلیف در حقوق اسلامی رابطه‌ای دو سویه دارند؛ هر جا حقی هست، تکلیفی نیز متصور است.»

یا مکتب فکری آزادی مطلق به رسمیت شناخته نشده، گفت: «آزادی بدون حد و مرز در نهایت به نفی خود آزادی منجر می‌شود، به همین دلیل محدودیت‌هایی نظیر آزادی دیگران، امنیت عمومی و عدالت اجتماعی، در همه نظام‌های حقوقی لحاظ شده‌اند.»

او در ادامه به نگاه ویژه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به آزادی اشاره کرد و اظهار داشت: «جمهوری اسلامی ایران، که بر پایه اسلامیت و جمهوریت بنا شده، نگاهی ریشه‌دار و مبتنی بر مبانی دینی به آزادی دارد. آزادی یکی از محورهای اصلی انقلاب اسلامی بود و در کنار استقلال و جمهوری اسلامی، در شعارهای مردم دیده می‌شود.»

غفاری با تمایز بین دو نوع آزادی «واکنشی» و «کنشی»، گفت: «آزادی از، یا آزادی واکنشی، در قانون اساسی ایران در اشکالی چون رهایی از استعمار و استبداد، وابستگی، نظام طاغوت، تبعیض ناروا و فقر جلوه‌گر شده است.»

وی افزود: «در مقابل، آزادی برای یا آزادی کنشی، ناظر به هدف‌داری آزادی است؛ یعنی انسان برای تحقق هدفی از آزادی برخوردار است. این معنا نیز در اصول قانون اساسی جلوه دارد؛ از جمله تشکیل حکومت اسلامی مبتنی بر اراده مردم، مشارکت فعال در اداره کشور، مقابله با

دفتر مذاکرات

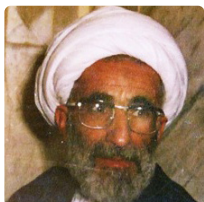


مشروح مذاکرات شورای نگهبان

**چالش اختیارات نماینده ویژه رئیس جمهور / محدود
به امور اجرایی یا شامل تصمیمات غیر اجرایی؟
(بخش سوم)**



اشاره: بحث اصلی این جلسه شورای نگهبان در مورد اختیارات نمایندگان ویژه ای است که توسط رئیس جمهور تعیین می شوند و اینکه آیا این اختیارات تنها به امور اجرایی محدود می شود یا شامل تصمیمات غیر اجرایی نیز می شود. در گذشته، نمایندگان ویژه علاوه بر امور اجرایی، توانایی صدور دستورالعمل ها و تصمیمات غیر اجرایی نیز داشتند. اما شورای نگهبان اعلام کرده است که اصل ۱۲۷ قانون اساسی به امور اجرایی محدود است و تصمیمات این نمایندگان در حکم تصمیمات رئیس جمهور و هیئت وزیران تلقی می شود.



مجلس برسد تا او بتواند نظارت کند. در نهایت، شورای نگهبان باید به تفسیر اصل ۱۲۷ بپردازد تا وضعیت اختیارات نمایندگان ویژه و ضرورت اطلاع‌رسانی آن‌ها به رئیس مجلس مشخص شود. در شماره قبلی ماهنامه اساسنامه بخش ابتدایی مشروح مذاکرات شورای نگهبان در مورد این استفساریه مورد بحث قرار گرفت، در این شماره بخش سوم این جلسه را باهم میخوانیم.

بخش سوم گزیده مشروح مذاکرات اعضای شورای نگهبان در جلسه مورخ ۱۳۷۹/۵/۲۰ را در ادامه بخوانید:

آقای حبیبی - من اگر به عنوان جمع‌بندی نهایی بخواهم این موضوعات را دسته‌بندی بکنم، در اینجا سه حالت مطرح است؛ یکی اینکه مطابق اصل (۸۵) یا (۱۳۸) بگوییم تصمیمات اصل (۱۲۷) به استناد یکی از این دو اصل بایستی به اطلاع خود رئیس مجلس برسد، البته در خود این اصول لفظ «مصوبات» آمده

نمایندگان مجلس، به ویژه آقای کروبی، به این نکته اشاره دارند که الفاظ و عبارات به کار رفته در اصل ۱۲۷، به هیچ وجه محدود به امور اجرایی نیست و شامل تصمیمات غیر اجرایی نیز می‌شود. لذا درخواست تفسیر از شورای نگهبان به منظور روشن شدن این موضوع مطرح شده است.

رئیس مجلس به منظور رفع اختلاف نظرها از شورای نگهبان درخواست تفسیر کرده است که آیا لفظ «تصمیم» در اصل ۱۲۷ قانون اساسی تنها به امور اجرایی مربوط می‌شود یا اینکه نمایندگان ویژه می‌توانند دستورالعمل‌ها و تصمیمات غیر اجرایی نیز صادر کنند.

آیت الله یزدی و دیگران تأکید کردند که نمایندگان ویژه باید بتوانند در امور غیر اجرایی نیز تصمیم‌گیری کنند و این نشان‌دهنده ضرورت اختیارات وسیع آنها است. در مقابل، آیات الله رضوانی و دیگر اعضا به محدودیت‌های قانونی اشاره کردند و این نکته را مطرح کردند که تصمیمات نمایندگان ویژه باید به اطلاع رئیس

عادی وضع شد که تصمیمات اصل (۱۲۷) باید محض اطلاع به رئیس مجلس هم فرستاده بشود، [اشکال و ایرادی ندارد]. ثمره‌ی این ارسال جهت اطلاع در کجا ظاهر می‌شود؟ نمی‌دانیم. ممکن است بعد از اینکه رئیس مجلس از این تصمیم مطلع شد، به عنوان یک تذکر دوستانه، یک تذکری به رئیس جمهور بدهد، ولی زیادتر از این نمی‌تواند بگوید؛ چون اگر بخواهد بگوید، باید مستند به یک اصلی از قانون اساسی بگوید. با توجه به اینکه الان جناب آقای کربوبی فقط در خصوص اصل (۱۳۸) و اصل (۸۵) تقاضای تفسیر برای اصل (۱۲۷) داشته‌اند، به نظر می‌رسد در پاسخ ایشان باید گفته شود که اصل (۱۲۷) باید محدود به تصمیمات و امور اجرایی بشود و اگر خارج از این باشد خلاف این اصل است؛ یعنی دولت موظف شود که به استناد اصل (۱۲۷) دیگر به آیین‌نامه نپردازد که اگر پرداخت آن وقت است که یک خلافتی انجام داده است و چون اختیار نظارتی رئیس مجلس، منحصر به این دو مورد یعنی اصول (۸۵) و (۱۳۸) است، در سایر موارد مطابق با تفسیر اصل، نیازی به اطلاع ریاست مجلس نیست.

 **آقای جنتی -** اگر صلاح بدانید ما اصلاً این بحث را ببندیم. برای اینکه ایشان از ما تفسیر خواسته است. نظر ایشان هم از تفسیر، نه هر تفسیری، بلکه تفسیری است که به نفع خودشان

است. اگر این‌طور باشد آن وقت رئیس مجلس باید مغایرت و عدم مغایرت این تصمیمات با قانون را تطبیق بدهد. اصل (۸۵) که کلاً از ابتدا تا انتها منتفی است؛ چون آنجا فقط بحث اساسنامه است و در مورد اساسنامه هم روشن است که نماینده‌ی ویژه بر اساس اصل (۱۲۷) نمی‌تواند این کار را بکند. در اصل (۱۳۸) هم آیین‌نامه و تصویب‌نامه آمده است که نظر آقایان هم همین است. الان [که ما این تصمیمات را برای رئیس مجلس ارسال می‌کنیم] این‌طور می‌نویسیم. عرض کردم چون همیشه آنجا آیین‌نامه و اینها مطرح بود ذیل آن نامه‌ای که برای شخص رئیس مجلس می‌فرستیم نوشته می‌شود که تصویب‌نامه یا مصوبه‌ی فوق به استناد اصل (۱۳۸) برای اطلاع رئیس مجلس فرستاده می‌شود. یک حالت هم این است که بگوییم ما به استناد اصل (۸۵) یا (۱۳۸) نمی‌توانیم این تصمیمات را بفرستیم، یعنی این‌طوری نمی‌شود. پس حالت دوم این است که بگوییم با استناد به اصل (۱۳۸) اصلاً رئیس مجلس نباید این موارد ناظر به اصل (۱۲۷) را ببیند و به موجب قانون عادی هم نمی‌توانیم دولت را موظف به این کار بکنیم. از اصل (۱۳۸) می‌شود یک چنین استنباطی را داشت که مجلس نمی‌تواند دولت را موظف بکند. اما یک حالت سوم و یک حالت بینابینی هم هست؛ آن هم این است که ما بگوییم اگر یک قانون

در بیاید. یعنی نتیجه‌اش این شود که اصل (۱۲۷) هم شامل اجرائیات می‌شود و هم شامل غیراجرائیات. لذا کلیت دارد و مشمول (۱۳۸) هم می‌شود. این تفسیر که مسلماً و قهراً رأی ندارد؛ چون نه



تا رأی می‌خواهد. [۴] خب ما برای چه بیخود بحث بکنیم؟ بلکه به نظرم عکس نظر ایشان که معتقد است اصل (۱۲۷) مخصوص اجرائیات است، نه تا رأی ممکن است داشته باشد.

آقای رضوانی - این تصویب‌نامه [که می‌خواهد به نماینده‌ی ویژه اختیار بدهد] به نظر رئیس مجلس می‌رسد. اگر او دید در این حدود مشخص، برای این شخص اختیاراتی را تعیین کرده است که مثلاً می‌گوید این نماینده‌ی ویژه می‌تواند آیین‌نامه هم وضع بکند، خب،

این مخالف قانون است. اگر آمد یک چنین اختیاری به او داد [رئیس مجلس باید این تصویب‌نامه را مغایر قوانین اعلام بکند].

آقای استادی - این عبارتی که ما در نظر قبلی شورا نوشته‌ایم که در تبصره (۳) با استظهار به اینکه اصل (۱۲۷) مربوط به اجرائیات است، این عبارت اصلاً یعنی چه؟

آقای زواره‌ای - یعنی وضع مقررات جزء اختیارات او نیست، یعنی آیین‌نامه تصویب نمی‌کند، یعنی دستورالعمل جزء اختیار او نیست.

آقای استادی - ظاهراً این عبارت می‌گوید تصمیمات این نماینده قوی است. مثل تصمیمات هیئت وزیران است؛ یعنی باید به تصمیمات او هم عمل کنند که این تصمیمات فقط شامل امور اجرایی است. ظاهراً ما با این عبارات، ایشان را اغفال کرده‌ایم. ما اصلاً آقای کروبی را اغفال کرده‌ایم که این چیزها را نوشته‌ایم. ما نوشته‌ایم استظهار می‌کنیم اصل (۱۲۷) برای اجرائیات است. این عبارت اصلاً معنی ندارد؛ چون حتماً اصل (۱۲۷) غیراجرائیات را هم در بر می‌گیرد. شما این حرف من را جواب بدهید. اصلاً ما باید مذاکرات آن روز را ببینیم که چه بوده است. اصلاً اینکه ما می‌گوییم اصل (۱۲۷) مربوط به اجرائیات است، خاطر جمع باشید که این حرف غلط است.



آقای یزدی - لازم نداشت که ما

بگوییم این تصمیمات اختصاص به اجرائیات دارد. اگر عرض دیگری هم می کردیم به این بحث ربطی نداشت. این توضیحی که آقای دکتر [= آقای حبیبی] می دهند درست است که ما باید صریحاً بگوییم، ولی در این اصل نمی گوید او چه کار می تواند بکند که ما بگوییم این کار را می تواند و آن کار را نمی تواند. همان طور که شما [= آقای استادی] گفتید این اصل دارد می گوید این تصمیمات، تصمیمات تق و لقی نیست، مثل تصمیمات رئیس جمهور و هیئت وزیران است. این لفظ «تصمیمات» هم، تصمیمات اجرایی و غیراجرایی را در بر می گیرد. ما بی جهت گفته بودیم که تصمیمات به امور اجرایی مربوط است. اگر ما این مطلب را نمی گفتیم، رئیس مجلس هم این مطلب را نمی گفت و این موضوع اصلاً ربطی به کار ما ندارد؛ یعنی اگر تصمیمات این نماینده‌ی ویژه تعمیم

هم داشته باشد به درد ما نمی خورد. اگر ما این اصل را تفسیر کنیم و بگوییم که تصمیمات غیراجرایی را هم در بر می گیرد، مگر به درد ما می خورد؟ باز هم به درد ما نمی خورد. به چه دردی می خورد؟ آقایان گفته اند که تصمیمات خود رئیس جمهور و هیئت وزیران هم لازم نیست که به رئیس مجلس ابلاغ بشود. حالا فرض کنید یک نفر بگوید «تصمیمات» تعمیم دارد؛ یعنی امور اجرایی و غیراجرایی را در بر می گیرد، اما لازم نیست که ما تصمیمات خود رئیس جمهور را هم به رئیس مجلس ابلاغ بکنیم. بعد به رئیس مجلس بگوییم که مایل هستید این تصمیمات را به شما ابلاغ کنیم؟ این مسئله اصلاً ربطی به کار ما ندارد. ما ظاهراً باید مذاکرات آن روز را ببینیم. ما مثل اینکه یک اشتباهی کرده ایم که گفته ایم اصل (۱۲۷) مربوط به اجرائیات است.

آقای حبیبی - اعم از اینکه آقایان
 آن روز در مورد اجرائیات اشتباه کرده باشند یا نه، آن موضوع یک بحث جدایی است. الان این مطلبی که گفته شده است یک تقاضای تفسیری را به وجود آورده است. ما باید این اصل را تفسیر کنیم؛ یعنی باید به آن تقاضا جواب بدهیم. اتفاقاً این تفسیر ثمره‌ی مثبتی هم دارد. همان‌طور که جناب آقای رضوانی فرمودند، اگر ما تکلیف اصل (۱۲۷) را با همین صراحت روشن کنیم که فقط اجرائیات و تصمیم‌ها مشمول اصل (۱۲۷) هستند و این اصل، آیین‌نامه را در بر نمی‌گیرد، [دیگر نیازی به اطلاع رئیس مجلس نیست]. اگر تفسیر ما به این ترتیب باشد، آن مصوبه‌ای که دولت در بار اول برای تعیین نماینده‌ی ویژه تصویب می‌کند برای رئیس مجلس می‌رود؛ چون خود تعیین نماینده‌ی ویژه طبق اصل (۱۲۷) باید به تصویب هیئت وزیران برسد. مثلاً دولت می‌گوید فلان شخص یا اشخاص مُفهرسه‌الاسامی [= اشخاصی که اسامی آنها فهرست شده است] زیر بنا به پیشنهاد رئیس جمهور به عنوان نماینده یا نمایندگان ویژه برای امور زیر تعیین می‌گردند؛ چون قانون گفته است در موارد مشخص باید نماینده تعیین بشود، دولت بگوید در موارد مشخص زیر، آن هم بر حسب ضرورت اینها نماینده‌ی ما هستند. خود این تصویب‌نامه‌ی اول برای رئیس مجلس می‌رود. اگر در آن گفته شده باشد که

ابلاغ آیین‌نامه‌ی فلان هم جزء وظایف این نماینده است، رئیس مجلس می‌تواند جلوی آن را بگیرد. اگر ما این تفسیر را داشته باشیم رئیس مجلس مستنداً به این تفسیر، جلوی این مصوبه را می‌گیرد. ما اگر در اینجا [= در این مصوبه‌ی اولیه] موارد ضرورت را بیان نکرده باشیم؛ یعنی نگوییم نظر به اینکه در فلان جا سیل آمده است و فلان و بهمان شده، فلان شخص را نماینده می‌کنیم، رئیس مجلس می‌تواند جلوی آن را بگیرد. مثلاً برای توزیع اعتبارات در تهران همین‌طوری به طور ساده نمی‌شود این کار را کرد، ولی اگر به موجب قانون به سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی به خاطر سرعت عمل گفتیم که یک ضرورتی هست که اجازه داده می‌شود اعتبارات استان‌های مختلف را با هماهنگی دستگاه‌ها توزیع بکند، ایرادی نمی‌گیریم؛ چون در قانون آمده است که این موضوع به تصویب دولت برسد، ما در استان‌ها نیاز داریم که سریعاً به این موضوع عمل بکنیم، اما اگر این‌طوری نبود و مثلاً یک امر عادی بود، مثل کارهایی که دولت می‌تواند [به صورت عادی آن کارها را انجام بدهد، دولت نمی‌تواند نماینده تعیین بکند]. از این به بعد باید در موارد مشخص ضرورت را تصریح بکنیم. آن وقت در آن موارد مشخص اگر عنوانی بود که خارج از تصمیم و خارج از امر اجرایی بود؛ یعنی اگر با صلاحیت آیین‌نامه‌نویسی و تصویب اساسنامه برخورد

این کار قانون‌گذاری است. برای اینکه این اساسنامه مغایر قانون نباشد رئیس مجلس باید آن را ببیند. اصل (۱۳۸) قانون اساسی هم در رابطه‌ی با اختیارات دولت در زمینه‌ی تصویب آیین‌نامه و مصوبات دیگری که هست و همچنین صدور بخشنامه از طرف وزرا تعیین تکلیف کرده است. در اصل (۱۲۷) هم رئیس‌جمهور می‌تواند اختیار انجام کار اجرایی را به اشخاصی واگذار کند. این واگذاری بیش از واگذاری کارهای اجرایی نیست؛ یعنی آن نماینده نمی‌تواند آیین‌نامه تصویب کند. او نمی‌تواند بخشنامه و دستورالعمل داشته باشد. اگر این مقدار گفته بشود که او نمی‌تواند، آن وقت اگر [هیئت وزیران هم در تصویب‌نامه اولیه] چنین اختیاری به نماینده بدهد، رئیس مجلس جلوی آن را می‌گیرد. اگر چنین اختیاری ندادند، بعد این نماینده چنین کاری را کرد کار او خلاف است. این تفسیر ما هم کار را حل می‌کند که آن وقت دولت هم نمی‌تواند به نماینده‌ی خودش بیش از حدود کار اجرایی اختیاراتی را واگذار کند.

آقای یزدی - در پایان برای اینکه ما دوباره یک دور دیگر مذاکره نکنیم و بتوانیم تصمیم بگیریم، در این تفسیر باید آن طرف قضیه گفته بشود. به قول جناب‌عالی [= آقای حبیبی] ما باید جواب این نامه را در تفسیر اصل (۱۲۷) بگوییم؛ یعنی باید گفته بشود که اصل

می‌کرد، رئیس مجلس به استناد تفسیری که شورای نگهبان کرده است می‌تواند آن را برگرداند. بعداً هم اگر خدای ناکرده آن شخص آمد یک آیین‌نامه‌ی را وضع کرد، آن وقت دیوان عدالت هم می‌تواند جلوی آن را بگیرد، قوه‌ی قضائیه هم می‌تواند او را تعقیب کند، الی آخر. دیگر نیازی به اطلاع رئیس مجلس هم نیست، ولی قبلاً رئیس مجلس گفته است که شما نمی‌توانید آیین‌نامه‌ی را وضع کنید. حالا اگر یک مصوبه‌ی آمد، رئیس مجلس هم هیچ اشکالی به آن نگرفت بعدها آن شخص می‌تواند بگوید این مصوبه نزد رئیس مجلس رفته است و این اختیارات به من داده شده است و رئیس مجلس هم ایرادی به آنها نگرفته است؛ بنابراین من می‌توانم کارم را بکنم. به نظر می‌رسد که از این جهت هم این تفسیر ما مفید است و به هر حال ایشان هم الآن تقاضای تفسیر کرده‌اند و ما هم باید این اصل را تفسیر بکنیم.

آقای زواره‌ای - جناب آقای دکتر حبیبی مطلب را بیان فرمودند. ما در تفسیری که می‌کنیم، این کار را، هم برای مجلس و هم برای دولت راحت می‌کنیم. اصل (۸۵) در مورد اختیار قانون‌گذاری است و در ادامه‌ی این اصل می‌گوید اساسنامه‌ی شرکت‌های دولتی باید برای رئیس مجلس برود. مجلس می‌تواند اجازه دهد که دولت اساسنامه تصویب کند.

نمی‌گیرد و آن نماینده‌ی ویژه حق تصویب آیین‌نامه و قانون‌گذاری ندارد و اصل (۱۳۸) هم می‌گوید فقط باید مصوبات را به رئیس مجلس داد؛ بنابراین تفسیر ما خیلی روشن است. همان نتیجه‌ای هم که آقای رضوانی توضیح دادند، آن نتیجه هم عملی خواهد شد. پس ما تفسیر را به همین شکل بنویسیم و تمام کنیم که تکلیف اصل (۱۲۷) مشخص بشود، ولو اینکه تفاوتی هم با آن استظهار قبلی ما پیش نمی‌آید؛ چون قبلاً گفته‌ایم که از این اصل چنین استظهار می‌شود که مربوط به امور اجرایی است؛ حالا بگوییم اصل (۱۲۷) شامل آیین‌نامه‌گذاری یا آیین‌نامه‌نویسی یا امور تصویبی نمی‌شود.

 **آقای جنتی -** همان حرفی که قبلاً زده‌ایم، همان را بگوییم.

 **آقای یزدی -** حاج‌آقا، این حرف ما باز هم همان شبهه را ایجاد می‌کند. آن حرف‌های قبلی ما می‌گوید استظهار شده است که اصل (۱۲۷) مخصوص امور اجرایی است؛ در حالی که الآن همه‌ی ما می‌گوییم این اصل اختصاص به اجرائیات ندارد. درست است که شامل مصوبات نمی‌شود، ولی اختصاص به اجرائیات هم ندارد. مثل تصمیمات که لزوماً تصمیمات اجرایی نیستند. مصمّمات است و او می‌تواند تصمیم بگیرد و لازم هم نیست که رئیس مجلس بداند، ولی او نمی‌تواند

(۱۲۷) قطعاً شامل آیین‌نامه نوشتن یا قانون‌گذاری کردن یا مقررات تنظیم کردن نمی‌شود. این‌طور که آقای زواره‌ای هم می‌فرمایند نتیجه‌ی [نظر قبلی شورای نگهبان، این‌طور می‌شود] که این اصل، مثلاً تصمیمات را هم در بر نگیرد؛ در حالی که خود ایشان هم قبول دارند که تصمیمات اجرایی را هم در بر می‌گیرد. آقایان اینجا در نظر شورا نوشته‌اند که چون استظهار از اصل (۱۲۷) این است که شامل امور اجرایی است؛ یعنی حتی تصمیمات را هم در بر نگیرد. تمام متن نظر شورا این است؛ در حالی که قطعاً همه‌ی ما هم قبول داریم که اصل (۱۲۷) تصمیمات را در بر می‌گیرد، ولی تصویبات را در بر نمی‌گیرد. من می‌خواهم بگویم که عبارت تفسیری ما باید طوری باشد که دوباره شبهه‌ای ایجاد نکند. ما باید بگوییم این اصل (۱۲۷) شامل تصویب آیین‌نامه نخواهد شد؛ البته دستورالعمل را در بر می‌گیرد؛ چون دستورالعمل، تصویب‌نامه نیست. دستورالعمل به قول خود شما یک امر اجرایی است. بخشنامه هم یک امر اجرایی است؛ ولی آیین‌نامه، یک امر تصویبی است. بنابراین ما در تفسیر، این مطلب را بیاوریم که اصل (۱۲۷) شامل آیین‌نامه‌نویسی نخواهد بود. ما این طرف را نگوییم که از اصل (۱۲۷) فقط استظهار می‌شود که این اصل مخصوص امور اجرایی است، بلکه آن طرف را بیاوریم که این اصل مصوبات را در بر

تصویب داشته باشد.

آقای جنتی - مصمّماتی که تصویب نباشد و اجرایی هم نباشد، شامل چه چیزهایی است؟

آقای یزدی - آقایان خیلی مثال زدند دیگر، مثل اینکه این پول را به این آقا بدهید، این ساختمان را اینجا بسازید، این عمل را این‌طور انجام بدهید؛ یعنی اجرا غیر از تصمیم‌گیری است، او برای این مسئله تصمیم می‌گیرد و بعد به زیردست خودش می‌گوید عمل کن و لذا در سؤال هم مسئله‌ی دستورالعمل یا بخشنامه آورده شده است. بخشنامه و دستورالعمل در دایره‌ی اجرا است. همه‌ی ما قبول داریم که قطعاً آن نماینده‌ی ویژه نمی‌تواند آیین‌نامه بگذراند. من هم می‌خواهم بگویم ما طرف نفی موضوع را بگوییم که دیگر شبهه‌ای ایجاد نشود. ما قبلاً طرف اثباتی آن را گفته‌ایم. الآن تفسیر ما با نظر قبلی شورا خیلی تفاوتی ندارد؛ یعنی الآن نمی‌خواهیم آن را نفی بکنیم، ولی شبهه‌ای که از اینجا پیش آمده است را رفع می‌کنیم. ما در نظر قبلی شورا اول گفته بودیم استظهار این است که اصل (۱۲۷) اختصاص به امور اجرایی دارد، ممکن است کسی بگوید نه، غیر از امور اجرایی کارهای دیگری هم هست که لزوماً امور تصویبی نیست، ولی امور اجرایی اهم نیست.

آقای رضوانی - یعنی بگوییم اصل (۱۲۷) شامل تصویب‌نامه و آیین‌نامه نخواهد بود.

آقای یزدی - بله، درست است.

آقای استادی - آن وقت تکلیف تبصره (۳) چه می‌شود؟

آقای یزدی - استناد به اصول (۸۵) و (۱۳۸) برای ارسال تصمیمات نمایندگان ویژه رئیس جمهور، صحیح نیست.

آقای حبیبی - بله، استناد به اصول (۸۵) و (۱۳۸) برای لزوم ارسال تصمیمات موجه نیست.

آقای جنتی - رأی بگیریم.

آقای یزدی - رأی که تقریباً روشن است.

آقای حبیبی - می‌توانیم بگوییم: نظر به اینکه اصول (۸۵) و (۱۳۸) مراجع وضع تصویب‌نامه و آیین‌نامه و اساسنامه را تعیین کرده است و نظر به اینکه اصل (۱۲۷) صراحتاً به تصمیمات رئیس جمهور و هیئت وزیران اشاره کرده است، نظر تفسیری شورای نگهبان به شرح زیر اعلام می‌شود: محدوده‌ی اصل (۱۲۷) شامل تصویب‌نامه‌ها و آیین‌نامه‌ها و اساسنامه‌ها نمی‌شود و منحصرأً شامل تصمیمات خواهد بود و چون اصل (۸۵) و (۱۳۸) ناظر به تصویب‌نامه‌ها و

آیین‌نامه‌ها و مصوبات کمیسیون مشمول اصل (۱۳۸) است، نیازی به ارسال تصمیمات نماینده یا نمایندگان موضوع اصل (۱۲۷) برای رئیس مجلس شورای اسلامی مستنداً به اصول (۸۵) و (۱۳۸) نخواهد بود.

 **آقای زواره‌ای -** اگر اجازه بفرمایید من یک پیشنهادی در این رابطه دارم. بگوییم آن دو اصل، چون در خصوص جنبه‌ی قانون‌گذاری و تصویب مقررات است، برای اینکه مغایرت قانونی وجود نداشته باشد، برای رئیس مجلس فرستاده می‌شود؛ در حالی که اصل (۱۲۷) جنبه‌ی تصویبی ندارد. [۵]

[۲]. نظر شماره ۷۸/۲۱/۶۱۸۶ مورخ ۱۳۷۸/۱۱/۲۰ شورای نگهبان در خصوص تبصره (۳) طرح الحاق پنج تبصره به قانون نحوه اجرای اصول (۸۵) و (۱۳۸) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در رابطه با مسئولیت‌های رئیس مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۷۸/۱۱/۴ مجلس شورای اسلامی: «عطف به نامه شماره ۳۵۴۴-ق مورخ ۱۳۷۸/۱۱/۵ و پیرو نامه شماره ۷۸/۲۱/۶۱۳۸ مورخ ۱۳۷۸/۱۱/۱۳، طرح الحاق پنج تبصره به قانون نحوه اجرای اصل (۸۵) و (۱۳۸) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در رابطه با مسئولیت‌های رئیس مجلس شورای اسلامی مصوب چهارم بهمن‌ماه یک‌هزار و سیصد و هفتاد و هشت مجلس شورای اسلامی در جلسه

مورخ ۱۳۷۸/۱۱/۲۰ شورای نگهبان مطرح شد و نظر شورا به شرح ذیل اعلام می‌گردد:

در تبصره (۳) * با استظهار اینکه اصل (۱۲۷) مربوط به امور اجرایی است، الزام به ارسال تصمیمات مذکور در اصل (۱۲۷) قانون اساسی به رئیس مجلس خلاف قانون اساسی شناخته شد.

* تبصره (۳) طرح الحاق پنج تبصره به قانون نحوه اجرای اصول (۸۵) و (۱۳۸) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در رابطه با مسئولیت‌های رئیس مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۷۸/۱۱/۴ مجلس شورای اسلامی: «تبصره ۳- مصوبات دولت و کمیسیون‌های مربوط در مورد اصل هشتاد و پنجم (۸۵) و یکصد و سی و هشتم (۱۳۸) و نیز تصمیمات موضوع اصل یکصد و بیست و هفتم (۱۲۷) قانون اساسی باید ظرف یک هفته از تاریخ تصویب یا اتخاذ تصمیم، ضمن ابلاغ، برای اجراء به اطلاع رئیس مجلس شورای اسلامی برسد.»

[۳]. اصل یکصد و بیست و هفتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: «رئیس جمهور می‌تواند در موارد خاص، بر حسب ضرورت با تصویب هیئت وزیران نماینده یا نمایندگان ویژه با اختیارات مشخص تعیین نماید. در این موارد تصمیمات نماینده یا نمایندگان مذکور در حکم تصمیمات رئیس جمهور و هیئت وزیران خواهد بود.»

باشند.

آقای جنتی - ببینید؛ از آن اعضای که الآن در جلسه نیستند و غایب هستند، فقط آقای عباسی فرد است [که رأیشان را نداده‌اند] و آلا آقای دکتر حبیبی که به همین نظر رأی دادند. رأی ایشان هم همین بود. حالا الآن در جلسه هم شش رأی، موافق این نظر داریم. آقای استادی هم رأی داده‌اند. فقط حاج آقای مؤمن و دوستانی که در آن شورای تحقیق نبوده‌اند، باید نظرشان را بگویند.

آقای محمدرضا علیزاده - نظر ما هم همین است.

آقای رضوانی - آقایانی که باید نظر بدهند، دو نفرند. حاج آقای مؤمن و آقای علیزاده هم نظرشان همین است.

آقای جنتی - آقای دکتر آراد هم هستند [که باید نظرشان را بگویند].

آقای محمدرضا علیزاده - بگذارید من هم نظرم را عرض کنم.

آقای جنتی - بفرمایید.

آقای محمدرضا علیزاده - ما نظرم این است که اصل (۱۲۷) مربوط به اختیارات اجرایی رئیس جمهور و وزرا است. آنها کار مربوط به خودشان را می‌توانند به آن هیئت و آن نمایندگان منتخب خودشان محول کنند. حالا این

[۴]. اصل نود و هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: «تفسیر قانون اساسی به عهده شورای نگهبان است که با تصویب سه‌چهارم آنان انجام می‌شود.»

[۵]. بررسی این مصوبه در جلسه مورخ ۱۳۷۹/۵/۲۴ شورای نگهبان ادامه یافته است.

جلسه ۱۳۷۹/۵/۲۴

بررسی این مصوبه در جلسه مورخ ۱۳۷۹/۵/۲۴ شورای نگهبان ادامه یافته است.

آقای جنتی - [بررسی استفساریه رئیس مجلس شورای اسلامی در خصوص اصل (۱۲۷) قانون اساسی] [۱] عرض شود که سؤال آقای کروبی [۲] راجع به تفسیر اصل (۱۲۷) قانون اساسی [۳] در شورای تحقیق مطرح شد. کل شورا یعنی تقریباً شش نفر رأی دادند به اینکه همان نظری که قبلاً داده‌ایم [۴] درست است و نظر تفسیری ما هم همین است. الآن سه رأی لازم داریم تا [حد نصاب لازم برای نظریه‌ی تفسیری حاصل شود] ما این نظر را به عنوان نظریه‌ی تفسیری اعلام کنیم.

آقای محمدرضا علیزاده - بالاخره برای اعلام نظر تفسیری، باید اکثریت ۹ نفر [از کل اعضای شورای نگهبان] موافق

نگهبان که با حضور همه‌ی اعضا برگزار می‌شود] هم مطرح بشود و نسبت به آن رأی بگیریم، ما هم به آن رأی می‌دهیم.

آقای جنتی - حالا چون ما برای این چهارشنبه دستوری نداریم که بخواهیم جلسه‌ی مجددی بگذاریم و حاج آقای مؤمن هم شرط و شروط گذاشته‌اند که من به شرطی به این جلسه‌ی دوشنبه می‌آیم که روز چهارشنبه جلسه نداشته باشیم، ما هم گفتیم بیاید و چهارشنبه جلسه نمی‌گذاریم. در هر صورت [اگر بخواهیم در حضور همه‌ی اعضا رأی بگیریم،] این دستور برای چهارشنبه‌ی بعدی می‌ماند. اگر شما حرفی ندارید که رأی‌گیری برای این موضوع، این قدر عقب بیفتد، من هم حرفی ندارم.

آقای محمدرضا علیزاده - نه، اعلام نظر را به تأخیر نیندازید، منتها در صورت جلسه بنویسید که آقایان [اعضای غائب در این جلسه] هم رأی خود را داده‌اند؛ یعنی در اینجا صورت جلسه شود که دو سه نفر از آقایان که غایب بودند هم به این نظر تفسیری رأی مثبت داده‌اند. اگر این باشد، همین امروز بنویسید.

آقای جنتی - خب بله، همین است دیگر.

آقای احمد علیزاده - حضرت آیت‌الله جنتی، پایین آن صورت جلسه‌ای که شورای تحقیق نظر داده است، به

اختیارات تفویضی یا برای دولت است یا برای خود رئیس جمهور است که به یک عده‌ای یا به یک نفر می‌دهند. اصل (۸۵) و اصل (۱۳۸) در مورد اختیاراتی است که مجلس به رئیس جمهور یا وزرا می‌دهد. همان‌طور که تقنین قائم به مجلس و سِمَت نمایندگی قائم به شخص نماینده است، تصویب اساسنامه و آیین‌نامه هم قائم به آن هیئت یا به آن شخصی است که چنین اختیاری دارد و لذا قابل تفویض نیست. بنابراین نمی‌شود نماینده یا نمایندگان ویژه‌ی رئیس جمهور، اساسنامه تصویب کنند. البته اگر به این صورت باشد که آنها [=نماینده یا نمایندگان ویژه‌ی رئیس جمهور] متن اساسنامه یا مصوبه را تهیه کنند و به هیئت وزیران بدهند تا هیئت وزیران آن را تصویب کند، حرفی نیست. نماینده یا نمایندگان ویژه، آیین‌نامه‌ها را هم نمی‌توانند تصویب کنند. آیین‌نامه‌ها هم باید به هیئت دولت بیاید و آن مراحل مذکور در اصل (۱۳۸) و اصل (۸۵) را طی کند. بنابراین اصل (۱۲۷)، همین است. نظر ما هم همین است. منتها بنده عرضی که دارم، این است که می‌گویم اگر در جمع اعضا می‌خواهیم رأی تفسیری بگیریم، دیگر شورای نگهبان را دو تکه نکنیم، بلکه اجازه بدهید که همه‌ی آقایان باشند. ما الآن نظرمาน همین است. از رأی خود هم بر نمی‌گردیم. لذا اگر این موضوع در آن جلسه [=جلسه‌ی رسمی شورای



که هم اختصاص این اصل را به امور اجرایی بگویند و هم تفسیر خلاصه شده باشد و شامل تصمیم هم بشود. لذا در آن جلسه، یک عبارت دیگری نوشته شد که روشن تر باشد و جنبه‌ی نفی آن شامل مصوبات بشود. حالا همان عبارت را به رأی بگذارید. من موافقم آن متن را به رأی بگذارید. آقای حبیبی، آن متن را تهیه کرده‌اند.

آقای مؤمن - من یک شبهه‌ای دارم. در این متنی که الان اینجا هست، نوشته شده است: «محدوده اصل (۱۲۷) شامل تصویب‌نامه‌ها و آیین‌نامه‌ها و اساسنامه‌ها نمی‌شود و منحصرأً شامل تصمیمات خواهد بود.» خب این یک تفسیری از اصل (۱۲۷) است. آن وقت

همان تاریخ، نظر ما را بگویید؛ یعنی نظرم را به همان تاریخ، قطعی می‌کنیم.

آقای جنتی - ما که الان جلسه‌ی رسمی شورا را داریم. ببینید؛ ما امروز جلسه داریم و جلسه‌ی ما هم رسمی است. آرای افراد غائب را هم داریم، بنابراین ما می‌توانیم به تاریخ امروز نظرم را اعلام کنیم.

آقای عزیزی - حاج‌آقا، این کار خلاف آیین‌نامه‌ی داخلی شورای نگهبان هم نیست.

آقای یزدی - ملاحظه کنید. آقایان عنایت بفرمایید. مسئله‌ی نحوه‌ی رأی‌گیری و آیین‌نامه و اینها تقریباً روشن است. برای اینکه شش نفر در جلسه‌ی شورای تحقیق حاضر بودیم و الان هم دو نفر اینجا هستند که در مجموع هشت نفر هستیم که رأی مثبت داده‌ایم و قانوناً هیچ مشکلی ندارد. فقط، آقای علیزاده عنایت بفرمایند، راجع به این موضوع که می‌فرمودند این اصل (۱۲۷) مربوط به مسائل اجرایی است، در شورای تحقیق مفصل بحث شد که همین‌طور است؛ منتها امور اجرایی یک مفهوم وسیع‌تری دارد که شامل تصمیمات هم می‌شود، ولی شامل مصوبات نمی‌شود. بنابراین عبارت اصلاح شد به یک گونه‌ای که بین مصوبات و بین تصمیمات چه تفاوت‌هایی وجود دارد. عبارت قرار شد طوری باشد

ذیل این مطلب آمده است: «چون اصل (۱۳۸) و (۸۵) ناظر به تصویب‌نامه‌ها و آیین‌نامه‌ها و مصوبات کمیسیون مشمول اصل (۱۳۸) است، استناد به اصل (۱۳۸) و (۸۵) بر اساس تصمیمات نماینده یا نمایندگان موضوع اصل (۱۲۷) برای رئیس مجلس شورای اسلامی موجّه نیست». این قسمت آخر، چه لزومی دارد [که در نظریه‌ی تفسیری ذکر شود؟] شما فقط می‌خواهید تفسیر کنید.

آقای محمدرضا علیزاده - بله، ما داریم اصل (۱۲۷) را تفسیر می‌کنیم. جواب نامه‌ی رئیس مجلس را که نمی‌خواهیم بدهیم.

آقای مؤمن - شما فقط می‌خواهید اصل (۱۲۷) را تفسیر کنید، بنابراین بنویسید که اصل (۱۲۷) شامل تصویب‌نامه نمی‌شود و منحصرأً شامل تصمیمات است.

آقای محمدرضا علیزاده - بله، این عبارت بهتر است؛ چون ما که الآن در مقام جواب به سؤالات آن نامه نیستیم.

آقای مؤمن - بله، جواب آن نامه را که نمی‌خواهیم بدهیم، بلکه می‌خواهیم در مقام جواب به آن نامه، اصل (۱۲۷) را تفسیر کنیم.

آقای یزدی - حرف شما در مقام تفسیر اصل (۱۲۷)، درست است و جمله‌ی اولی که خواندید کافی است، ولی ذیل آن

را بخاطر بیان استدلالمان آورده‌ایم.

آقای مؤمن - بله، برای این است که استدلالمان را گفته باشیم، اما در تفسیر که آوردن استدلال لزومی ندارد.

آقای جنتی - این تفسیر، می‌خواهد اعلام بشود و رسمی بشود.

آقای مؤمن - بله. ملاحظه کنید، نوشته‌اید: نظر تفسیری شورای نگهبان به شرح زیر اعلام می‌شود. این نظر تفسیری هم مربوط به همان اصل (۱۲۷) است. آن حرف‌های ذکرشده در ذیل عبارت هم درست است. من به آن حرف‌ها ایرادی ندارم؛ منتها اینکه آن حرف‌ها را به عنوان نظر تفسیری (۱۲۷) بگوییم، ظاهراً وجهی ندارد.

آقای محمدرضا علیزاده - آن عبارات ذیل، استدلال نظر تفسیری ما است؛ یعنی داریم استدلالمان را هم به نظر تفسیری ضمیمه می‌کنیم.

آقای مؤمن - بله، استدلال ماست، اما در نظر تفسیری، لزومی ندارد که استدلال را بیاورید. اگر خواستید استدلال را ضمیمه کنید، در صدر نامه یک عبارت «نظر به اینکه...» بنویسید و استدلال را توضیح دهید. دیگر نیازی نیست که در خود متن نظر تفسیری بیاورید.

آقای جنتی - آدر پاسخ نامه‌ی

ادامه‌اش می‌گوییم: «نظر به اینکه اصل (۱۲۷) صراحتاً به تصمیمات رئیس جمهور اشاره کرده است، نظر تفسیری شورای نگهبان بدین شرح اعلام می‌شود: محدوده اصل (۱۲۷) شامل تصویب‌نامه‌ها و آیین‌نامه‌ها و اساسنامه‌ها نمی‌شود و منحصرأً شامل تصمیمات خواهد بود.» تمام شد. به این صورت، هر دو مورد در نامه‌مان هست.

 **آقای محمدرضا علیزاده - رأی بگیریم.**

 **آقای جنتی - رأی بگیریم. همین متن را رأی بگیریم.**

 **آقای مؤمن - بله، ما هم قبول داریم.**

 **آقای محمدرضا علیزاده - هشت تا رأی دارد و دو نفر هم که قبلاً رأی داده‌اند**

[۱]. رئیس مجلس شورای اسلامی در تاریخ ۱۳۷۹/۵/۴ طی نامه‌ی شماره ۲۷۵۸/ه‌آب، در راستای اصل (۹۸) قانون اساسی از شورای نگهبان تفسیر اصل (۱۲۷) قانون اساسی را خواستار شد. این استفسار به دلیل اختلاف میان دولت و مجلس در خصوص ماهیت «تصمیمات» نمایندگان ویژه‌ی رئیس جمهور در اصل (۱۲۷) و نیز لزوم یا عدم لزوم نظارت رئیس مجلس بر این تصمیمات بر اساس صلاحیت مذکور در ذیل اصول (۸۵) و (۱۳۸) قانون اساسی صورت گرفته است.

رئیس مجلس این‌طور می‌نویسیم که نظر تفسیری شورای نگهبان راجع به اصل (۱۲۷) این است و بعدش، یک چیزی جداگانه‌ای می‌آوریم.

 **آقای یزدی - نه، جداگانه ننویسید.** این نظر اخیر آقای مؤمن، خیلی بهتر شد؛ یعنی عبارت «نظر به اینکه» را بنویسید و بعد، این قسمت آخر که آقای مؤمن خواندند را به عنوان توضیح، بعد از عبارت «نظر به اینکه» بیاورید و بعد از آن، بگویید «نظر تفسیری شورا به شرح زیر است» و در ادامه‌اش، این جمله‌ی تفسیر اصل (۱۲۷) را بیاورید. این‌طوری، این استدلال هم ذکر شده است؛ منتها استدلال ما اول نامه و بعد از عبارت «نظر به اینکه» می‌آید و خارج از تفسیر است و تفسیر اصل (۱۲۷) هم بعد از آن جمله شروع می‌شود. در این صورت، در جواب نامه هم نکته‌ی اصلی و هم این نظر تفسیری گفته شده است. این، بهتر است از آنکه جداگانه یک چیزی بنویسیم.

 **آقای محمدرضا علیزاده - آقایان، حالا رأی بدهید.**

 **آقای مؤمن - این عبارت «نظر به اینکه اصول (۸۵) و (۱۳۸) مراجع وضع تصویب‌نامه و آیین‌نامه و اساسنامه را تعیین کرده و این امور غیر از تصمیم است.» جواب نامه است که در واقع، یک مقدمه‌ای برای بیان تفسیر است. بعد در**

شورای نگهبان، پس از بحث و بررسی در خصوص مفاد این استفساریه در جلسات مورخ ۱۳۷۹/۵/۲۰ و ۱۳۷۹/۵/۲۴، نظر تفسیری خود در خصوص این استفساریه را طی نامه‌ی شماره ۷۹/۲۱/۷۳۷ مورخ ۱۳۷۹/۵/۳۰ به رئیس مجلس شورای اسلامی اعلام کرد. در این نظریه، شورای نگهبان اعلام کرد که «محدوده اصل (۱۲۷) شامل تصویب‌نامه‌ها و آیین‌نامه‌ها و اساسنامه‌ها نمی‌شود و منحصرأ شامل تصمیمات خواهد بود.»

[۲]. نامه‌ی شماره ۵/۲۷۵۸/ب مورخ ۱۳۷۹/۵/۴ رئیس مجلس شورای اسلامی به شورای نگهبان: «دبیر محترم شورای نگهبان

مقدمتاً یادآوری این نکته را لازم می‌داند که تا قبل از نظریه شماره ۷۸/۲۱/۶۱۸۶ مورخ ۱۳۷۸/۱۱/۲۰ آن شورای محترم، اولاً مصوبات ناظر به تعیین نماینده یا نمایندگان ویژه و به تبع آن، تصمیمات نماینده یا نمایندگان مزبور، حاوی امور اجرایی و غیر آن می‌بود. ثانیاً این مصوبات و تصمیمات حاوی امور اجرایی و غیر آن، کلاً برای رئیس مجلس شورای اسلامی ارسال می‌شد و ثالثاً کلیه مصوبات و تصمیمات مزبور از طرف رئیس مجلس شورای اسلامی مورد بررسی و اعلام نظر نهایی قرار می‌گرفت. و اما در دفاع حقوقی و قانونی از شیوه فوق‌الذکر که پس از بازنگری قانون اساسی قریب به یازده سال مستمراً مورد استفاده مراجع قانونی ذی‌ربط قرار گرفته است، نظر آن شورای محترم را به استدلالات ذیل که با استفاده از الفاظ و

عبارات اصل (۱۲۷) قانون اساسی و صورت مشروح مذاکرات شورای محترم بازنگری قانون اساسی در خصوص اصل مزبور، به‌عمل آمده و کلاً مبین شمول این اصل به امور اجرایی و غیر آن به نظر می‌رسد، جلب می‌نماید.

۱- در مجموع الفاظ و عبارات مذکور در اصل (۱۲۷)، نه فقط هیچ لفظ و عبارتی مشاهده نمی‌شود که صریحاً مبین حصر این اصل به امور اجرایی باشد بلکه هیچ لفظ و عبارتی وجود ندارد که تلویحاً نیز مفید حصر مزبور باشد.

۲- هیچ یک از دو عبارت «موارد خاص» و «اختیارات مشخص» مذکور در اصل (۱۲۷) که عمده‌ترین نقش را در تشخیص دامنه شمول اصل مزبور به امور اجرایی یا غیر آن ایفا می‌کنند، مقید به امور اجرایی نبوده، همچنان که اطلاق دو عبارت دیگر مذکور در این اصل یعنی عبارت «تصمیمات نماینده یا نمایندگان ویژه» و عبارت «در حکم تصمیمات رئیس جمهور و هیئت وزیران»، نه فقط شامل امور اجرایی و غیر آن می‌شوند بلکه ذکر کلمه «تصمیمات» در هر دو عبارت، پیش و بیش از آنکه به امور اجرایی دلالت کند به غیر این امور دلالت دارد.

۳- صورت مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی نیز ضمن آنکه مبین اهمیت فوق‌العاده انتخاب نماینده یا نمایندگان ویژه و وسعت دایره اختیار فراوان آنان در رفع مشکلات و معضلات پیچیده و سطوح بالای مملکتی است، نه فقط به هیچ وجه

منطقه‌ای مثل کردستان گفتند ما یک نفر را می‌خواهیم بفرستیم تا اختیارات که مسائل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و امنیتی آنجا را همه تحت نظرش باشند، نمی‌تواند این کار را بکند، برای اینکه وزیر کشور می‌گوید من مسائل امنیتی را نمی‌خواهم واگذار کنم. قانون اساسی شما محدودش کرده است.

بنابراین همین جا پیش‌بینی کنید؛ یعنی در خود قانون اساسی باید راه حل بدهید که اگر فردا شورایی آمد تصمیمی گرفت وزیری نباید بگوید نخیر، وظایف خاص من مربوط به خودم هست، نمی‌خواهم وظایفم را واگذار به شخص دیگر بکنم...» (پاراگراف دوم صفحه ۱۱۳۶ مجلد دوم صورت مشروح مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی)

به‌طوری که ملاحظه می‌شود استنباط شورای محترم بازنگری از اصل (۱۲۷) قانون اساسی اولاً شامل اختیارات تام، ثانیاً شامل مسائل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و امنیتی و ثالثاً مقتضی واگذاری مطلق بعضی از وظایف خاص یک یا چند وزیر بوده است. بنابراین ایفاء مسئولیتی این چنین مهم که نوعاً بدون وضع ضوابط و مقررات لازم‌الاتباع امکان‌پذیر نیست شمول مدلول اصل (۱۲۷) قانون اساسی به امور اجرایی و غیر آن را اجتناب‌ناپذیر می‌سازد.

ج: «... یکی از اختیاراتی که او می‌تواند داشته باشد اختیار هماهنگی است و خوب ما در دستگاه‌های مختلف فرض بکنیم در یک موردی که مسائل امنیتی خوب اوایل انقلاب بود در

محدود و محصور به امور اجرایی نیست، که نوعاً مستلزم ایفای نقش نمایندگی در رهگذر صدور دستورالعمل‌ها، بخشنامه‌ها، تصمیم‌نامه‌ها و از این قبیل است که اغلب به بیش از امور اجرایی تسری دارد. اینک برای ذکر نمونه بعضی از مذاکرات مزبور را ذیل به آگاهی می‌رساند:

الف: «ما فکر می‌کنیم دولت این اختیار را داشته باشد که گاهی در حدود اختیارات خودش نه فراتر از آن به بخشی از اختیارات خودش که مشخص می‌شود، تعیین می‌شود، حدودش در دولت تصویب می‌شود، به افرادی یا فردی یک اختیاراتی بدهد که اینها بروند کار بکنند و مسائل را حل کنند.» (دو سطر آخر صفحه ۱۱۳۲ و سطر اول صفحه ۱۱۳۳ مجلد دوم صورت مشروح مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی)

به‌طوری که ملاحظه می‌شود اولاً واگذاری بخشی از اختیارات دولت به طور مطلق، مطرح است و نه مقید. ثانیاً حدود اختیارات اعطایی باز هم به طور مطلق از طرف دولت تعیین می‌شود و ثالثاً مسائلی که نوعاً ناظر به اختیارات هیئت دولت است حداقل اغلب مستلزم وضع مقررات و ضوابطی بیش از محدوده امور اجرایی است.

ب: «... حداقل در ذهن من این است که وزیری را که شما تعیین فرمودید در قانون اساسی که وزیر مسئول وظایف خاص خویش است، بر اساس همان اصل، اگر رئیس جمهور و هیئت وزیران آمدند برای یک

بعضی استانها دیدیم که خوب وزارت آموزش و پرورش یک نوعی می‌رود یعنی برخوردش با معلم‌ها فرضاً استاندار که مسئول امنیت آن مناطق بود می‌گفت که این تصفیه باید انجام صورت بگیرد، برخوردها با ضد انقلاب باید صورت بگیرد. خوب یک مشکلی در این رابطه داشتیم. قسمت اقتصادی به یک نوعی، قسمت‌های انتظامی به نوعی دیگر، هماهنگ کردن تمام این دستگاه‌ها کار مشکلی در آنجا بود ...» (اواخر صفحه ۱۱۴۲ مجلد سوم صورت مشروح مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی و نیمه اول سطر اول صفحه ۱۱۴۳ همین مجلد)

به‌طوری که ملاحظه می‌شود اولاً موضوع نمایندگی نوعاً رفع مشکلات و معضلات پیچیده مملکتی است. ثانیاً رفع مشکلات و معضلات مزبور، نوعاً مستلزم ایجاد هماهنگی بین تعدادی از مقامات مسئول محلی است و ثالثاً رفع این قبیل مشکلات و معضلات و با ایجاد این‌گونه هماهنگی‌ها مقتضی برخی امور اجرایی و وضع پاره‌ای ضوابط و مقررات به صورت دستورالعمل، بخشنامه، تصمیم‌نامه و از این قبیل است.

بنا به مراتب مذکور، به نظر می‌رسد شیوه قبلی هیئت وزیران، نماینده یا نمایندگان ویژه و رئیس مجلس شورای اسلامی که به تبع استدلال‌ات فوق‌الذکر و صورت مشروح مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی اتخاذ شده بود، حداقل فاقد قوت استدلال نبوده و از وجاهت حقوقی و قانونی بی‌بهره نباشد.

و اما اینک که شورای محترم نگهبان به موجب نظریه اخیر خود تبصره (۳) طرح الحاق پنج تبصره به قانون نحوه اجرای اصل (۸۵) و (۱۳۸) قانون اساسی را از جهت الزام به ارسال تصمیمات مذکور در اصل (۱۲۷) برای رئیس مجلس شورای اسلامی، خلاف قانون اساسی می‌داند این اشکال پدید آمده است که سوی شورای محترم نگهبان به اجرایی بودن موارد و اختیارات موضوع اصل (۱۲۷) قانون اساسی دلالت دارد. لکن با التفات به اینکه قبل از تفسیر اصل مزبور و روشن شدن این نکته که شورای محترم نگهبان به لحاظ تفسیری نیز عقیده بر محدود و محصور بودن اصل (۱۲۷) قانون اساسی به امور اجرایی دارد یا نه، خواهشمند است برای روشن شدن تکلیف قانونی مراجع ذی‌ربط مقرر فرمایید با عنایت به اصل نود و هشتم قانون اساسی نسبت به تفسیر اصل مورد نظر اقدام و از نتیجه، اینجانب و سایر مراجع ذی‌ربط مزبور را آگاه فرمایند.

ضمناً برای استحضار بیشتر از نحوه استنباط و عمل هیئت وزیران و نماینده یا نمایندگان ویژه، فهرست برخی از تصویب‌نامه‌های ناظر به تعیین نماینده یا نمایندگان ویژه به انضمام تصویب‌نامه‌های مزبور و نیز فهرست برخی از تصمیم‌نامه‌های این نماینده یا نمایندگان به انضمام تصمیم‌نامه‌های مزبور را که فهرست نخست مبین اعطای اختیاری بیش از موارد اجرایی به نماینده یا نمایندگان ویژه و فهرست اخیر نیز مبین اتخاذ تصمیماتی

مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۶۸/۱۰/۲۶
الحاق می‌گردد:

تبصره ۳- مصوبات دولت و کمیسیون‌های مربوط در مورد اصل هشتاد و پنجم (۸۵) و یکصد و سی و هشتم (۱۳۸) و نیز تصمیمات موضوع اصل یکصد و بیست و هفتم (۱۲۷) قانون اساسی باید ظرف یک هفته از تاریخ تصویب یا اتخاذ تصمیم، ضمن ابلاغ برای اجراء به اطلاع رئیس مجلس شورای اسلامی برسد.

تبصره ۴- «... نظریه‌ی تفسیری شماره ۷۹/۲۱/۷۳۷ مورخ ۱۳۷۹/۵/۳۰ شورای نگهبان: «عطف به نامه شماره ۲۷۵۸/ه‌ب/مورخ ۷۹/۵/۴، موضوع در جلسه مورخ بیست و چهارم مردادماه یک هزار و سیصد و هفتاد و نه شورای نگهبان مطرح شد. نظر به اینکه اصول (۸۵) و (۱۳۸) مراجع وضع تصویب‌نامه و آیین‌نامه و اساسنامه را تعیین کرده است و این امور غیر از تصمیم است و نظر به اینکه اصل (۱۲۷) صراحتاً به تصمیمات رئیس جمهور و هیئت وزیران اشاره کرده است، نظر تفسیری شورا به شرح ذیل اعلام می‌گردد:

«محدوده اصل (۱۲۷) شامل تصویب‌نامه‌ها و آیین‌نامه‌ها و اساسنامه‌ها نمی‌شود و منحصراً شامل تصمیمات خواهد بود.»

زائد بر امور اجرایی از سوی این نماینده یا نمایندگان است به پیوست ارسال می‌دارد. مهدی کروبی- رئیس مجلس شورای اسلامی» [۳]. اصل یکصد و بیست و هفتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: «رئیس جمهور می‌تواند در موارد خاص، برحسب ضرورت با تصویب هیئت وزیران، نماینده یا نمایندگان ویژه با اختیارات مشخص تعیین نماید. در این موارد تصمیمات نماینده یا نمایندگان مذکور در حکم تصمیمات رئیس جمهور و هیئت وزیران خواهد بود.

[۴]. مقصود، نظر شماره ۷۸/۲۱/۶۱۸۶ مورخ ۱۳۷۸/۱۱/۲۰ شورای نگهبان در خصوص طرح الحاق پنج تبصره به قانون نحوه اجرای اصل (۸۵) و (۱۳۸) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در رابطه با مسئولیت‌های رئیس مجلس شورای اسلامی، مصوب ۱۳۷۸/۱۱/۴ مجلس شورای اسلامی است که بدین شرح بوده است: «در تبصره (۳)* با استظهار اینکه اصل (۱۲۷) مربوط به امور اجرایی است، الزام به ارسال تصمیمات مذکور در اصل (۱۲۷) قانون اساسی به رئیس مجلس، خلاف قانون اساسی شناخته شد.»

* «ماده واحده- تبصره‌های ذیل به عنوان تبصره‌های (۳) الی (۷) به قانون نحوه اجرای اصل هشتاد و پنجم (۸۵) و یکصد و سی و هشتم (۱۳۸) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در رابطه با مسئولیت‌های رئیس

زمانه؛



تاریخ حقوق اساسی ایران

قسمت پنجم

تدوین پیش نویس قانون اساسی (تنظیم طرح اولیه پیش نویس قانون اساسی)



دکتر مهدی نورابی

عضو هیات علمی و مدیر گروه صلح مرکز تحقیقات و کرسی حقوق بشر دانشگاه شهید بهشتی (ره)

اساسی است. امام خمینی با درک این ضرورت قبل از ورود به ایران اهمیت تدوین قانون اساسی جدید را برای چندمین بار در تاریخ هجدهم و بیست و پنجم دی ۱۳۵۷ در مصاحبه با خبرنگاران مطرح می کنند.

جمهوری اسلامی برای اداره حکومت از میان انواع قوانین اساسی نوع مدون و موضوعه آن را همچون بسیاری از نظامهای سیاسی رایج بر نوع عرفی آن ترجیح میدهد به همین دلیل در

با نمایان شدن بارقه های پیروزی نهضت و قیام مردم مسلمان ایران به رهبری امام خمینی از ضروری ترین اموری که باید بدان پرداخته میشد تعیین اصول، سیاسی، ساختار سلسله مراتب جایگاه و حدود قدرت سیاسی و همچنین تعیین و به تبع آن تضمین حقوق شهروندان و نوع نظام حاکم بر کشور بود جایگاه پردازش چنین مسائلی در نظام های سیاسی رایج عالی ترین سند حقوقی یک کشور یعنی قانون



صدر عبدالکریم، لاهیجی ناصر میناچی و ناصر کاتوزیان در قالب تشکیل یک کمیسیون حقوقی برگزار میشود طبق توافقات به عمل آمده در این کمیسیون مسئولیت نگارش، اصول بعد از استماع نظرات کمیسیون حقوقی به عهده ناصر کاتوزیان قرار داده می شود طی این جلسات متن از پیش تهیه شده حسن حبیبی با طرح از پیش تهیه شده آقایان ناصر میناچی، احمد صدر، حاج سید جوادی، فتح الله بنی صدر و عبدالکریم لاهیجی تلفیق می شود برای نگارش پیش نویس قانون اساسی از قوانین اساسی چند کشور از جمله فرانسه استفاده می شود.

روزهای منتهی به پیروزی انقلاب اسلامی حسن حبیبی از حقوق دانان ایرانی ساکن در پاریس به صورت غیر رسمی و با نظر مثبت حضرت امام پیگیر تدوین پیش نویس قانون اساسی می شود. به طور هم زمان برخی گروه ها نیز که از مخالفان حکومت پهلوی به شمار می رفتند به تهیه پیش نویس قانون اساسی اقدام میکنند چندی بعد حسن حبیبی با ورود به ایران برای اجرایی کردن نظر، امام از برخی نیروهای مبارز میخواهد تعدادی از اشخاص مسلمان و انقلابی و آگاه به مسائل روز را برای نگارش پیش نویس قانون اساسی به کار گیرند به همین دلیل جلسات مشترکی با حضور وی و برخی حقوقدانان از جمله محمد جعفری لنگرودی، فتح الله بنی

پاسداران عدالت؛



مروری بر صلاحیت‌های نهادهای
دادرس اساسی در جهان

دادگاه قانون اساسی آفریقای جنوبی؛
نهاد ناظر بر قانون اساسی و حقوق
بنیادین شهروندان

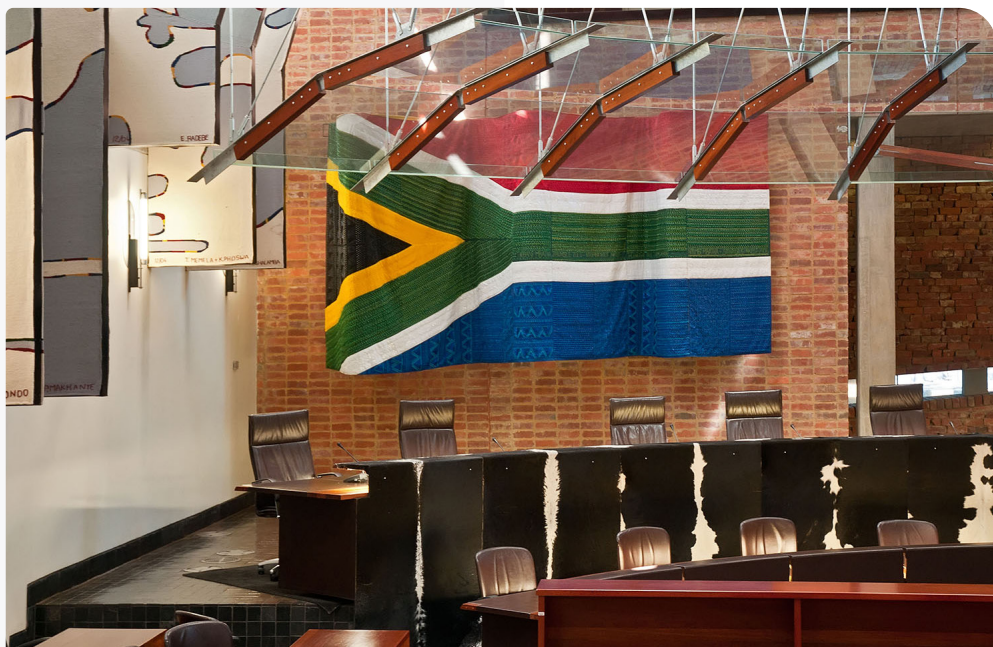


علی کمالی
پژوهشگر پژوهشکده شورای نگهبان

تاریخچه و شکل‌گیری دادگاه قانون اساسی آفریقای جنوبی

ایجاد این دادگاه، تضمین اجرای اصول دموکراسی، حقوق بشر و حاکمیت قانون در آفریقای جنوبی بود. این دادگاه نمادی از تعهد کشور به جدایی قوا و استقلال قوه قضائیه است

دادگاه قانون اساسی آفریقای جنوبی (Constitutional Court of South Africa)، به عنوان بالاترین نهاد قضایی در این کشور، پس از پایان دوران آپارتاید و با تصویب قانون اساسی جدید در سال ۱۹۹۶ تأسیس شد. هدف اصلی از



سازوکار دادگاه قانون اساسی

دادگاه قانون اساسی آفریقای جنوبی از یازده قاضی تشکیل شده است که توسط رئیس جمهور و پس از مشورت با کمیسیون خدمات قضایی منصوب می‌شوند. ریاست این دادگاه بر عهده رئیس کل دادگاه است. این دادگاه به صورت هیئت عمومی به پرونده‌ها رسیدگی می‌کند تا اطمینان حاصل شود که تصمیمات آن از اعتبار و مشروعیت بالایی برخوردار هستند. فرایند رسیدگی شامل شنیدن استدلال‌های حقوقی و کلا، بررسی شواهد و در نهایت صدور حکم است. تصمیمات این دادگاه لازم‌الاجرا و غیرقابل تجدیدنظر هستند.

صلاحیت‌های دادگاه قانون اساسی آفریقای جنوبی

صلاحیت‌های دادگاه قانون اساسی آفریقای جنوبی به طور جامع و گسترده‌ای در قانون اساسی این کشور تعریف شده‌اند. این صلاحیت‌ها به دادگاه اجازه می‌دهند که نقش خود را به عنوان محافظ اصلی قانون اساسی و حقوق بنیادین شهروندان ایفا کند. در ادامه، صلاحیت‌های اصلی این دادگاه به تفصیل شرح داده شده‌اند:

۱. صلاحیت اختصاصی

این بخش از صلاحیت‌ها تنها و تنها در اختیار دادگاه قانون اساسی است و هیچ دادگاه دیگری در آفریقای جنوبی حق

رسیدگی به آن‌ها را ندارد. این موارد شامل:

- اختلافات بین نهادهای دولتی: این دادگاه به حل و فصل اختلافات بین ارگان‌های دولتی در سطح ملی و استانی در خصوص وضعیت قانونی، اختیارات یا وظایف آن‌ها می‌پردازد. این کار به منظور جلوگیری از تداخل و حفظ تفکیک قوا انجام می‌شود.

- بررسی لوایح قانونی: دادگاه می‌تواند لوایح ارائه شده به مجلس ملی یا مجالس استانی را قبل از تبدیل شدن به قانون، از نظر انطباق با قانون اساسی بررسی کند. این امر یک سازوکار پیشگیرانه برای جلوگیری از تصویب قوانین غیرقانونی است.

- تصمیم‌گیری در مورد اصلاحات قانون اساسی: هرگونه اصلاحی در قانون اساسی باید توسط این دادگاه تأیید شود تا از سوءاستفاده‌های احتمالی جلوگیری شود. نظارت بر عملکرد رئیس‌جمهور و پارلمان: دادگاه تنها نهادی است که می‌تواند تصمیم بگیرد آیا رئیس‌جمهور یا پارلمان از انجام وظایف قانونی خود بر اساس قانون اساسی کوتاهی کرده‌اند یا خیر.

۲. صلاحیت تجدیدنظر

این دادگاه بالاترین مرجع تجدیدنظر در تمامی مسائل حقوقی است، مشروط بر

اینکه آن مسائل مربوط به قانون اساسی باشند. به این معنا که اگر یک پرونده در دادگاه‌های پایین‌تر مانند دادگاه عالی (High Court) یا دادگاه تجدیدنظر عالی (Supreme Court of Appeal) مطرح شده باشد و موضوع آن به یک مسئله قانونی اساسی مربوط شود، افراد می‌توانند برای بررسی نهایی به دادگاه قانون اساسی درخواست تجدیدنظر دهند. این صلاحیت شامل پرونده‌هایی می‌شود که در آن‌ها:

- حقوق بنیادین شهروندان نقض شده است.

- صحت یک قانون یا مقرر دولتی مورد سؤال قرار گرفته است.

- تفسیر یک بخش از قانون اساسی مورد نیاز است.

۳. صلاحیت تأیید

بر اساس قانون اساسی آفریقای جنوبی، اگر یک دادگاه عالی یا دادگاه تجدیدنظر عالی یک قانون یا عملکرد دولتی را مغایر با قانون اساسی تشخیص دهد و حکم به ابطال آن صادر کند، این حکم تا زمانی که توسط دادگاه قانون اساسی تأیید نشود، فاقد اعتبار است. این سازوکار تضمین می‌کند که تصمیمات مهم حقوقی با بالاترین دقت و توسط بالاترین مرجع قضایی کشور بررسی و تأیید شوند. این فرآیند از یکپارچگی و ثبات نظام حقوقی محافظت می‌کند.



۴. صلاحیت مستقیم

در شرایطی که منافع عدالت ایجاب کند، دادگاه قانون اساسی می‌تواند اجازه دهد یک پرونده مستقیماً و بدون طی کردن مراحل در دادگاه‌های پایین‌تر به آن ارجاع شود. این صلاحیت معمولاً در مواردی استفاده می‌شود که:

- موضوع پرونده بسیار فوری و حیاتی باشد.
- مسئله حقوقی مطرح شده در پرونده از اهمیت ملی یا عمومی بالایی برخوردار باشد.
- انتظار برای طی کردن مراحل عادی دادگاه به حقوق طرفین آسیب جدی وارد کند.
- این صلاحیت به دادگاه امکان می‌دهد تا در مواقع ضروری به سرعت وارد عمل شود و از حقوق و اصول اساسی محافظت کند.

یاد؛



زندگینامه اعضای شورای نگهبان

ابوالقاسم خزعلی، دوستدار آیت الله خمینی



حوزوی و تحصیل حوزه علمیه مشهد دل و جانیش را شعله‌ور ساخت؛ به گونه‌ای که کار و کسب را وانهاد، به تحصیل علوم دینی روی آورد.

مقدمات را در حوزه مشهد فراگرفت و برای تحصیل سطوح به سراغ استادان ممتاز آن دیار رفت. با شروع به تحصیل در حوزه مشهد، صرف و نحو را نزد شیخ علی‌اکبر دامغانی فراگرفت و کتاب مغنی اللیب را نزد محقق قوچانی خواند. معالم و لمعه و قوانین را نزد سید احمد یزدی آموخت. رسائل، مکاسب و کفایه را نزد مرحوم شیخ هاشم قزوینی و بخشی از کفایه را نزد شیخ

ابوالقاسم خزعلی فرزند غلامرضا، در سال ۱۳۰۴ هجری شمسی در بروجرد، از توابع استان لرستان چشم به جهان گشود. در ۶ یا ۷ سالگی به مکتبخانه محله «سرسوزنی» در بروجرد رفت. وی ده ساله بود که به همراه خانواده به مشهد مقدس مهاجرت کرد.

در سن ۱۷ سالگی - همزمان با سقوط حکومت رضاشاه و اشغال ایران از سوی متفقین - به کار نوشتن دخل و خرج مغازه‌ای و توزیع جنس‌ها بین کسبه سرگرم بود تا از این راه، به امرار معاش خانواده کمک کند؛ ناگهان، بارقه‌های اشتیاق به علوم



مجتبی قزوینی فراگرفت.

شیخ ابوالقاسم خزعلی سپس راهی قم شد تا از محضر بزرگان آن شهر مقدس نیز بهره گیرد و برای نخستین بار در درس خارج فقه آیت الله بروجردی و خارج اصول امام خمینی حاضر شد که این مسأله تا سال‌ها ادامه داشت. وی در زمینه فلسفه و تفسیر نیز از استادان بسیاری در حوزه علمیه قم بهره برد. در بخش فلسفه، اشارات را نزد مرحوم حاج شیخ جواد خندق‌آبادی تهرانی خواند و در درس منظومه و اسفار علامه طباطبایی نیز حاضر شد. وی همچنین مدتی در درس آیت الله بهجت حاضر شد و از محضر این مرد بزرگ نیز کسب فیض کرد.

بخش زیادی از زندگی آیت الله خزعلی به

مبارزه با رژیم طاغوتی پهلوی مصروف شده است. او در فاجعه مسجد گوهرشاد در مشهد، نوجوانی ده ساله بود که فردای حادثه با پدرش در محل حاضر شده بود و خود می‌گوید فجایع رژیم پهلوی چنان بود که بر من تأثیر گذاشت و آن شب، تب کردم! از آغازین حرکت‌های ایشان در مبارزه بر ضد رژیم شاه، تبلیغ در رفسنجان و افشای ماهیت شاه بر سر منبر بود که به دستگیری ایشان و تبعید به گناباد انجامید.

در ماجرای انجمن‌های ایالتی و ولایتی، آیت الله خزعلی همواره در کنار امام خمینی بود و از جمله، حامل پیام ایشان برای علمای نجف آباد شد. همچنین وی در هیجدهم فروردین

ماه ۱۳۴۳ به دیدار امام رفت. امام به تازگی آزاد شده بود و روزنامه اطلاعات در آن زمان مطلبی نوشته بود مبنی بر این که امام با دستگاه شاه کنار آمده و آزاد شد. این مطلب باعث تأثر امام شد و در جلسه‌ای که چند روز بعد در مدرسه فیضیه تشکیل شده بود، آیت الله خزعلی به دستور امام بر سر منبر رفت و ماهیت کذب مطلب روزنامه اطلاعات را افشا کرد. این سخنرانی، در آن روزگار به دلیل حماسی و مستحکم بودن، مشهور شد.

آیت الله خزعلی در طول دوران رژیم شاه، یک بار در زندان قزل قلعه زندانی شد و سه بار تبعید شد. تبعید نخست ایشان به گناوه و دامغان بود که سه سال به طول انجامید. تبعید دوم به زابل بود و در تبعید سوم پنهان شد و روی نشان نداد. در این زمان بود که حضرت آیت الله خامنه‌ای در مخفیگاه به دیدار ایشان رفته و با هم از نزدیک آشنا شدند.



آیت الله خزعلی در گزارش‌های ساواک، روحانی افراطی، اخلاص‌گرا طرفدار خمینی نامیده شده بود. در تبعید سوم وی پنهان شده بود تا ساواک نتواند او را دستگیر کند. در این هنگام خبر شهادت فرزندش در قم بدست او می‌رسد. آیت الله خزعلی در تشییع جنازه فرزندش شرکت می‌کند. او هرگز در تشییع فرزندش، اشک نریخت و خدا را در آن مصیبت سپاس می‌گفت.

امضای آیت الله خزعلی در بسیاری از بیانیه‌ها در مرجعیت امام خمینی و لزوم مبارزه با رژیم شاه به چشم می‌خورد. همچنین وی در دوره طاغوت، همکاری نزدیکی با جامعه مدرسین حوزه علمیه قم و اعضای آن داشته است و در مبارزات آن مرکز با رژیم شاه به طور جدی شرکت می‌کرده است. از دیگر فعالیت‌های او در پیش از انقلاب اسلامی، حمل پیام‌های امام به آیت الله سید کاظم شریعتمداری و همچنین دریافت پاسخ آیت الله شریعتمداری به امام بوده است.

آیت الله خزعلی پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز فعالیت‌های گسترده‌ای برای پیشبرد انقلاب انجام داده و در طول دوران جنگ تحمیلی بارها در جبهه‌ها حضور یافت و همواره مایه دلگرمی رزمندگان اسلام بوده است. وی در این سال‌ها، همواره یار صديق امام خمینی و رهبر معظم انقلاب اسلامی، حضرت آیت الله خامنه‌ای بوده و همواره مردم را به پیروی از ولایت فقیه و شناخت هوشمندانه توطئه‌های دشمن و نیز مبارزه با

وفات

آیت الله خزعلی در تاریخ ۲۵ شهریور ماه سال ۱۳۹۴ بعد از تحمل دوره طولانی بیماری در سن ۹۰ سالگی از دنیا رفت. پیکر ایشان فردای آن روز تشییع شد و آیت الله جنتی بر پیکرش نماز خواند، پس از آن به مشهد مقدس منتقل شد و در رواق دارالزهده به خاک سپرده شد. ایشان توصیه کرده بودند که روی سنگ قبرشان ثبت شود: ابوالقاسم خزعلی، دوستدار آیت الله خمینی

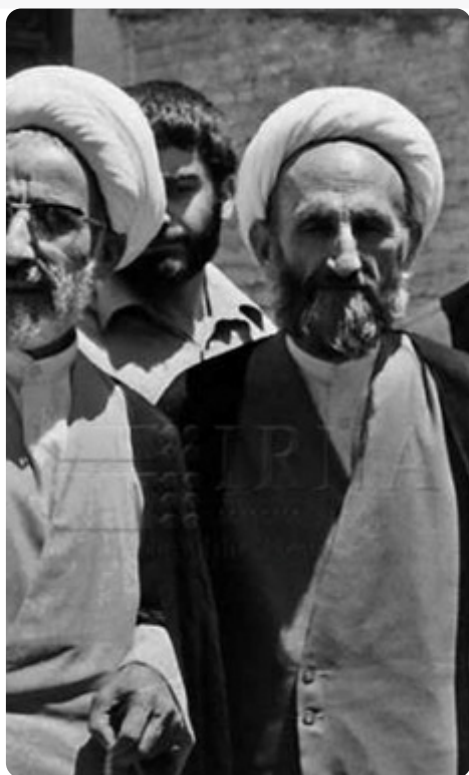


خط نفاق تشویق می کرده است.

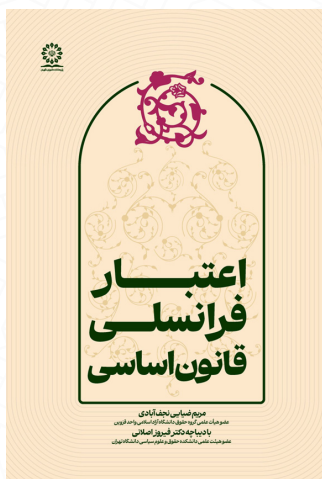
برخی از مسئولیت‌های ایشان پس از انقلاب اسلامی به شرح زیر است:

- عضویت در مجلس خبرگان قانون اساسی؛
- عضویت در مجلس خبرگان رهبری در سه دوره متوالی به نمایندگی از مردم استان خراسان؛
- عضویت در شورای نگهبان قانون اساسی

آیت الله خزعلی پس از استعفای آقای مهدوی کنی به عضویت شورا در آمد. ایشان همراه با آقای امامی کاشانی در مرداد ۱۳۷۸ از عضویت در شورای نگهبان استعفا دادند و به جای آن‌ها آقایان طاهری خرم‌آبادی و استادی به شورای نگهبان پیوستند.



تازه‌ها



اعتبار فرانسلی قانون اساسی

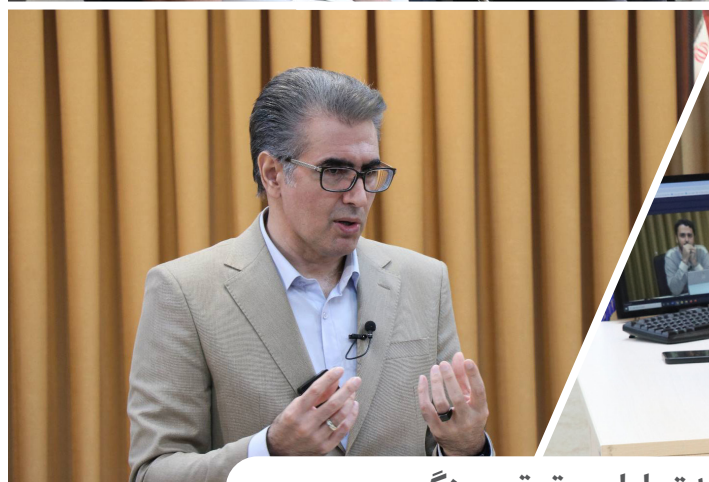


مریم ضیایی نجف آبادی، عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی
بادیباچه دکتر فریبرز اصلانی

آیا نسل‌های امروز ملزم به تبعیت از قانونی هستند که در شکل‌گیری آن نقشی نداشته‌اند؟ کتاب «اعتبار فرانسلی قانون اساسی» به بررسی این چالش می‌پردازد و تلاش می‌کند با اتکا به مبانی فلسفی، حقوقی و اجتماعی، از تداوم عقلانی و مشروعیت‌مند قانون اساسی در طول نسل‌ها دفاع کند.

و به پشتوانه‌ای پایدار برای نظم سیاسی و حقوق ملت ایران تبدیل شود. این کتاب، گفت‌وگویی است میان ثبات و تحول، و راهی برای فهم پیوستگی نسل‌ها در چارچوب قانون.

نویسنده با تحلیل نظریه اراده‌ها، اصل خودمحدودیتی، استمرار هویتی و ظرفیت‌های انعطاف‌پذیری در نظام جمهوری اسلامی ایران، نشان می‌دهد که اعتبار قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران می‌تواند از مرزهای نسلی فراتر رود



برگزاری مدرسه تحلیلی حقوق و جنگ
(با تأکید بر جنگ تحمیلی ۱۲ روزه رژیم صهیونی علیه ایران) در پژوهشکده شورای نگهبان



إزاحة الستار عن كتابين قانونيين لمعهد أبحاث مجلس صيانة الدستور



مجلس صيانة الدستور



مستشاري الشريعة
للجمهورية الإسلامية الإيرانية



التعرف على
القانون الدستوري
للجمهورية الإسلامية
الإيرانية



أسس
القانون الدستوري
للجمهورية الإسلامية
في إيران

معرض بغداد الدولي | ربيع الأول 1447
للكتاب 2025 | سبتمبر / أيلول 2025